

چاپ نوشت (۱۳)

نخستین تلاش‌ها برای راه‌اندازی کتابخانه‌های عمومی و ملی در دوره قاجار

مجید جلیسه

| ۷-۴۹ |

۷

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

چکیده: مؤلف در این مقاله به معرفی اولین کتابخانه عمومی کشور در شهر تبریز پرداخته و ضمن اشاره به چگونگی تأسیس و شکل‌گیر این کتابخانه به فعالیت‌ها، مؤسس، ریاست کتابخانه، واقفان و... نیز اشاره می‌نماید. در این مقاله در ادامه به کتابخانه ملتی مرکز ایرانی به عنوان اولین کتابخانه ملی ایران که در طهران دوره مظفری تأسیس می‌گردد نیز اشاره و چند و چون تأسیس، ریاست آن، واقفان و تنوع کتاب‌ها و... نیز پرداخته می‌شود و در پایان فهرستی از اولین کتاب‌های این دو کتابخانه ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: کتابخانه ملی، کتابخانه عمومی، کتابخانه ملتی مرکزی ایران، کتابخانه عمومی تبریز، طهران، تبریز، قرائتخانه‌ها، کتابخانه‌های دوران قاجار.

Notes on Publishing Books (13): The First Efforts to Establish Public and National Libraries in the Qajar Era
Majid Jalisch

Abstract: In this article, the author introduces the first public library in Iran, located in the city of Tabriz. The article details the establishment and development of this library, including its activities, founders, directors, benefactors, and more. Furthermore, it discusses the Central National Library of Iran, the first national library established in Tehran during the reign of Muzaffar al-Din Shah. The article explores the foundation, management, benefactors, the diversity of books, and other aspects of the library. Finally, a list of the initial books held by these two libraries is provided.

Keywords: National Library, Public Library, Central National Library of Iran, Tabriz Public Library, Tehran, Tabriz, Reading Rooms, Qajar Era Libraries.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درآمد

در دوره ناصری هیچ کتابخانه قابل استفاده‌ای برای عموم مردم وجود نداشت. کتابخانه سلطنتی واقع در ارگ سلطنتی طهران ملک طلق پادشاهان قاجار، خاصه ناصرالدین شاه بود. راه اندازی کتابخانه مدرسه دارالفنون نیز مشکلی از عموم مردم حل نمی‌کرد، چراکه این کتابخانه با هدف دسترس پذیرتر کردن کتاب برای دانش‌آموزان همان مدرسه تأسیس گردیده و امکانی برای دسترسی مردم به اندک کتاب‌های موجود در آن نبود. هرچند در مقاله پیشین چاپ نوشت اشاره نمودیم که در دوره‌ای این کتابخانه نیز به صرافت ارائه خدمات عمومی افتاده و درفش را به روی علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی می‌گشاید.^۱

ناگفته نماند که کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد و کتابخانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام و برخی از کتابخانه‌های مدارس علمیه چون مدرسه چهارباغ اصفهان، مدرسه صدر طهران و ... نیز در آن روزگار وجود داشتند، اما در تعاریف کتابخانه‌های عمومی از حیث تنوع استفاده‌کنندگان، منابع، موضوعات و شیوه ارائه خدمات نمی‌گنجیدند. در آن روزگار محدود کتابخانه‌های شخصی نیز بود که افرادی از اهل علم برای استفاده خودشان فراهم کرده بودند و هیچ استفاده و منفعتی برای مردم نداشت.

رشد روزافزون جمعیت و افزایش گروه باسواد جامعه و همچنین توسعه چاپ و نشر کتاب در شهرهای مختلف ایران نیاز به کتاب و کتابخوانی و صدالبته کتابخانه را روزبه‌روز بیشتر و بیشتر می‌نمود. نیازی که نه فقط برای ساکنین دارالخلافه طهران، بلکه برای هر شهری که چاپ و نشر و همچنین سوادآموزی در آن رو به توسعه و رشد بود لمس می‌گردید.

کتابخانه عمومی تبریز، کتابخانه ملی ایران

تبریز اولین شهری است که صنعت چاپ بدان پای نهاده و از آنجا به اقصی نقاط ایران گسیل پیدا می‌کند. همچنین باید گفت این شهر اولین شهری است که در آن

۱. چاپ نوشت (۱۲): کتابخانه مدرسه دارالفنون در دوره قاجار، ۵۰.

کتابخانه‌ای عمومی تأسیس می‌گردد و از قرار معلوم الگوئی می‌شود تا در دیگر شهرها نیز تکرار شود.

تبریز آن روزگار شهری است با چندین و چند چاپخانه و کتابفروشی که سالانه دهها کتاب منتشر و یا از اقصی نقاط ایران و کشورهای همسایه بفروش می‌رسانند. همچنین در این شهر مدتی است که روزنامه‌هایی چون تبریز، مدنیت و ناصری نیز در آن در حال انتشار است و روزنامه‌های دارالخلافة، شیراز، اصفهان و یا روزنامه‌های فارسی زبان کشورهای همجوار چون روزنامه اختر هم به سهولت در دسترس اهالی این شهر قرار می‌گیرد.

راه‌اندازی نخستین مدارس جدید در تبریز توسط میرزا حسن تبریزی (رشدیه) (۱۳۶۳-۱۲۶۷ق) هرچند با موفقیت چندانی مواجه نشد، اما زمینه‌ساز تأسیس مدارس جدیدی در آن شهر می‌گردد. از جمله این مدارس می‌توان به مدرسه ارک اشاره نمود که با حمایت و هزینه شخصی میرزا حسن خان خازن لشگر (۱۳۱۳-؟ق) حدود سال ۱۳۱۰ق در محل اتصال درب ارک و درب مسجدی که خودش ساخته بنا می‌گردد.

میرزا حسن خان خازن لشگر که رئیس قورخانه و ذخیره و مخزن آذربایجان بود فردی مذهبی و کاردان بود که در روزگار خود از مقبولیت اجتماعی خوبی برخوردار بود. او طی فرمانی در سال ۱۳۰۸ق افتخار خدای آستان قدس رضوی را پیدا می‌کند^۱ و همچنین در آخرین سال حیات خود موفق به دریافت یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل از طرف ناصرالدین شاه قاجار می‌گردد.^۲ مطالعات فرعی

پس از تأسیس این مدرسه در سال ۱۳۱۲ق میرزا حسن خان خازن لشگر در پهلوی همان مسجد خانه‌ای ساخته و آنرا به کتابخانه و قرائتخانه عمومی تبدیل و سرپرستی این کتابخانه را به روحانی فاضل، پرتلاش و پرنفوذی با نام میرزا محمد حسین شریعتمدار می‌سپارد.^۳ تفصیل افتتاح و راه‌اندازی این کتابخانه و شیوه فعالیت و کتاب‌های هدایی به آن در روزنامه ناصری آن روزگار بدین شرح آمده است:

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (مرکز اسناد تبریز)، ش ۹۵/۹۹۸/۱۶۷۲.

۲. سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران (مرکز اسناد تبریز)، ش ۹۵/۹۹۸/۱۶۶۹.

۳. تاریخ فرهنگ آذربایجان، ۱۹.

سند شماره (۱)

اعلان راه اندازی کتابخانه عمومی تبریز

«کتابخانه و کتب موقوفه

چون در این عهد فرخنده مهد همایونی از میامن توجهات کامله بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه عموم اهل ایران طبعاً مایل بانواع خیرات و میرات و شائق بتحصیل هرگونه حرفت و صناعات میباشد خاصه اهالی مملکت آذربایجان که از حسن تربیت حضرت اقدس والا ولیعهد متعالی المسلمین بطول بقائه در ارتقاء مدارج محسنات کمال و انتشار فواید عامه مشکور ابنای زمان و مهیج سعادت همگنان گردیده شکر خدا روزبروز اینیه خیریه از قبیل مساجد و مکاتب احسانیه و رغبت باکتساب ادبیه و فنون علمیه در تزیید و تضاعف است.

من جمله در این ایام سعاد فرجام حاجی میرزا حسنخان خازن لشکر رئیس مجلس محاکمات عسگریه و قورخانه و مخزن نظامی آذربایجان که از برآوردگان این عهد خجسته مهد و در حسن طویت و نیکی فطرت دارای رتبه و منہم سابق بالخیرات است بصوابدید جناب حاجی میرزا محمدحسین شریعتمدار سلمه الله تعالی یک باب خانه و باغچه در جنب مسجد و مکتب خانه احسانی خود واقعه در نزدیک ارک برای کتابخانه وقف عمومی معین نموده و مصارف لازمه و مخارج خادم و مباشر آنجا را متکفل شده و صد مجلد از کتاب ترجمه خصایص که سابق بر این بزبور طبع رسانده و بطالبین مجانا هدیه و بذل میشد وقف کتابخانه مزبوره نموده و مجلدات چندی هم از کتب مختلفه در کتابخانه مزبوره حاضر و موجود است که باسم هریک از واقفان معظم و محترم ذیلا نگاهشته خواهد شد هرکسی طالب کتابی باشد باستحضار جناب شریعتمدار قبض داده از کتابخانه مزبوره برده پس از رفع احتیاج و استیفاء حظ خود معاودت داده قبض خود را دریافت دارد.

کتابی که الان در کتابخانه مزبوره موجود است با اسامی واقفین محترم از قرار تفصیل ذیل است.

حاجی نظم السلطنه اصول کافی (۵۰) جلد (امیربهداد جنگ) انوار السعاده در ترجمه اسرار الشهاده (۵۰) جلد (مستشار السلطنه) ربیع الاسابیع (۱۰۰) جلد (مبشر السلطنه) مشکوه الانوار (۵۰) جلد (مصباح الدوله) جنه الوافیه^۱ (۵۰) جلد (محمدعلی خان سرتیب) صحیفه سجادیه و ترجمه یوحنا (۱۰۰) جلد (اعتماد دفتر) مقیاس المصابیح (۵۰) جلد (مؤتمن دفتر) مفتاح الفلاح (۵۰) جلد (افتخار السادات) مختصر الدعوات (۵۰) جلد (حاجی سید مرتضی) وسایل المحبین (۵۰) جلد (حاجی مهدی تاجر تبریزی) هدایه الموحدین (۵۰) جلد (حاجی مهدی تاجر تبریزی) هدایه الموحدین (۵۰) جلد (جناب شریعتمدار) از کتب متفرقه (۲۰۰) جلد الحق بر همه اهالی محترم از عوام و خواص بقدر محبت و اخلاص و باندازه حسن نیت و معاونت مدنیت خود شایسته و سزاوار است که در اینگونه بناهای خیریه و در اجرای فواید عامه معاونتی بفرخور احوال خود نموده و در دایر نمودن کتابخانهها و مدارس و وقف کتب یا امانی سپردن کتب معطله اهتمامی فرموده و از هرجهه رونقی داده باعث ترقی ملت و نایل به متویات دنیا و آخرت گردند.^۲

این واقعه مهم ضمن بازتاب خبری در جراید آن روزگار طهران مورد انتقاد نیز قرار می گیرد. به نظر می رسد که تا این تاریخ هنوز تعریف درستی از چند و چون کتابخانه عمومی مورد توافق قرار نگرفته است. نویسندۀ این خبر کتابخانه عمومی را کتابخانه ای می داند که در آن کتب «گرانبهای خطی و مطبوع نادرالنسخه» جمع آوری شده باشد و اینکه صرفاً

۱. احتمالاً منظور جنة الواقیة والجنة الباقیه یا همان مختصر المصباح کفعمی است.

۲. روزنامه ناصری، سال اول، شماره ۱۸، جمعه ۱۵ جمادی الثانی، ۱۳۱۲، ص ۱۴۸.

کتاب‌های چاپی که در بازار موجود و در دسترس همگان هست، در این کتابخانه جمع‌آوری گردد را فاقد اهمیت می‌داند. (سند شماره ۲)

سند شماره (۲)

اطلاع

«کتابخانه

از قراریکه در روزنامه گرامی (ناصری) منطبع تبریز دیده شد، جناب فخامت نصاب آقای حاجی میرزا حسن خان خازن لشکر و رئیس مجلس محاکمات عسکریه آذربایجان باقتضای کمال دیانت و فطرت پاک که مرایشان را است و تا کنون همیشه بخیرات و احسان گوی سعادت از همکیشان ربوده‌اند حال نیز یکباب خانه مال خود را برای کتابخانه عمومی وقف نموده و در این امر بسیار خیر بسایر هموطنان سبقت گزیده‌اند. بعضی از بزرگان مملکت و طبقه جلیله تجار هریک چندین جلد کتب مطبوعه بدان کتابخانه هدیه و وقف فرموده‌اند.

اولا بجناب امیرالامراء العظام آقای حاجی خازن لشکر بسبب تأسیس این کتابخانه عمومی و بحضرات وقف‌کنندگان کتب نیز که از دیگران بفضل تقدم اختصاص یافته‌اند از طرف عموم ملت بنام انسانیت تشکر مینماییم. امیدواریم صاحبان خیر که طالب نام نیکو هستند برای تزیید شرف و اعتبار این کتابخانه پای فتوت پیش گذاشته طوری کنند که نام و عنوان کتابخانه عمومی بدان راست بیاید. واضح است که محض جمع شدن یکهزار جلد کتب مطبوعه از ده‌دوازده نوع مقصود اصلی از تأسیس آن کتابخانه حاصل نتواند شد زیرا که مقصود از کتابخانه عمومی جمع‌آوری کتب گرانبهای خطی و مطبوع نادرالمنسخه است که تحصیل آن برای هرکس دست ندهد و الا کتب مطبوعه که بازار پر از نسخهای آنهاست و همه‌کس را تحصیل آنها ممکن است چه اهمیتی تواند داشت و این یکی نیز از یکدست برنمی‌آید پس بزرگان مملکت را است که در اینباب همت فرموده هرکدام چند جلد از کتب نفیسه خودشان را بعنوان وقف بدانجا هدیه کنند تا اینکه حصول مقصود نزدیکتر شود.

چون هرکار در آغاز تکمیل نتواند شد لهذا امیدواریم که بتدریج امر این کتابخانه نیز مقرون بحس انتظام گشته مقصود مقدس بانی محترم آن که پاک از هرگونه آلاش است بنیکوتر وجهی حاصل آید»

محل کتابخانه عمومی تبریز

این کتابخانه در نزدیکی ارک علیشاهی در جنوبی‌ترین قسمت شهر تبریز قرار داشت. و از آنجایی که میرزا حسن خان خازن لشکر، ریاست مجلس محاکمات عسگریه و قورخانه و مخزن نظامی آذربایجان را که در همین محل قرار داشت عهده‌دار بود، وی در نزدیکی این ارک یک باب خانه، باغچه،



تصویر ۱. جانمایی حدودی محل کتابخانه عمومی تبریز بر روی نقشه شهر تبریز منتشره به سال ۱۸۲۷م

مسجد، مکتب و کتابخانه بنا می‌کند. ساختمان کتابخانه از ساختمان مکتب جدا و در خانه‌ای مستقل برپا بوده است.

میرزا محمد حسین شریعتمدار تبریزی سرپرست و کتابدار اولین کتابخانه عمومی کشور

شریعتمدار تبریزی روحانی اهل فضل و قلمی بود که از قرار معلوم در آن روزگار نفوذی در میان رجال سیاسی و تجار تبریز نیز داشت و ازین حیث توانسته نقش پررنگی در اشاعه کتاب و کتاب‌خوانی و گسترش سوادآموزی داشته باشد. شریعتمدار تبریزی جدای آنکه خود به ترجمه و نگارش آثاری اشتغال داشت، سعی می‌نمود با تشویق سیاستمداران و تجار بساط علم‌پروری را در شهر تبریز بگستراند و با استفاده از نفوذ معنوی خود توانست صاحب منصبان متعددی را چون عباس تاجر ترکی، حسین پاشاه امیربهدار جنگ (۱۳۳۶-۱۳۴۰ ق)، مؤتمن السلطان، حسین قلی نظم السلطنه (۱۳۲۶-۱۳۸۴ ق)، میرزا حسنخان خازن لشکر و... را تشویق به امور خیر و سرمایه‌گذاری برای چاپ و انتشار کتاب و همچنین تأسیس کتابخانه نماید. از جمله آثار او می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود:

۱- اللئالی العلیة فی ترجمة الجواهر السنية فی الأحادیث القدسیة

این کتاب ترجمه «الجواهر السنية» محمد بن حسن حر عاملی (۱۱۰۴-۱۰۳۳ ق) است که به سال ۱۳۰۶ ق به سرمایه عباس تاجر ترکی در شهر تبریز و در کارخانه مشهدی اسدآقا چاپ و انتشار پیدا نموده است.^۱

۲- وسائل المحیین

ترجمه‌ای بر کتاب «الخصائص الحسینیة» جعفر بن حسین تستری (۱۳۰۳-۱۲۳۰ ق) است،^۲ که در سال ۱۳۰۸ ق در تبریز و با سرمایه مؤتمن السلطان^۳ و مجدداً به سال ۱۳۱۰ ق^۴ در تبریز و سومین بار نیز در همین شهر و در چاپخانه اسدآقا به سال ۱۳۱۱ ق به چاپ رسیده است.^۵

۱. فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، ۱۶۵۸/۳.

۲. الذریعة، ۷۲/۲۵.

۳. فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، ۲۰۵۱/۳.

۴. همان، ۲۰۵۱/۳.

۵. همان، ۲۰۵۱/۳.

۳- أنوار السعادة في ترجمة أسرار الشهادة

اصل این کتاب نگاشته آقا بن عابد دربندی (۱۲۸۵-؟ ق) است^۱ و این ترجمه به درخواست حسین پاشاه ملقب به امیربها در جنگ (۱۳۳۶-؟ ق) به سال ۱۳۱۲ ق در تبریز چاپ و انتشار پیدا نموده است.^۲

۴- ترجمه الصحيفة الكاملة السجادية و مناجات خمس عشر

این کتاب ترجمه صحیفه سجادیه امام چهارم شیعیان علی بن حسین ملقب به زین العابدین علیه السلام که در سال ۱۳۱۵ ق. در طهران چاپ و انتشار یافته است.^۳

۵- مختصر الدعوات

کتابی مشتمل بر مجموعه‌ای از اوراد مذهبی که به شیوه چاپ سنگی انتشار پیدا نموده است.^۴

۶- ذخيرة المعاد

کتابی مشتمل بر برخی از سور و ادعیه که به سال ۱۳۱۳ ق در چاپخانه مشهدی اسدآقای تبریز به شیوه چاپ سنگی منتشر شده است.^۵

۷- اللآلی السنية والصحيفة الجعفرية والأدعية المروية عن الامام الصادق علیه السلام

کتاب مفصلی که در آن دعاها نقل شده از امام صادق علیه السلام به روش صحیفه سجادیه جمع‌آوری شده است. مؤلف این دعاها را از کتاب‌های معتبر با حذف سند جمع‌آوری و در دو جلد تنظیم نموده و جلد اول آن را در روز شانزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ ق به پایان رسانده است. از این کتاب یک نسخه خطی در کتابخانه مرعشی به شماره ۵۲۲۳ به خط مؤلف موجود است.^۶

۱. الذریعة: ۴۲۹/۲.

۲. فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، ۲۴۳/۱.

۳. همان، ۱۲۷۷/۲.

۴. کتابخانه ملی، ش ۲۵۰۵۴-۶.

۵. فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، ۹۴۳/۲.

۶. فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، ۳۵/۱۰.

همچنین آثاری متعددی به تشویق و هدایت او در آن روزگار چاپ و انتشار یافته که از آنجمله می‌توان به «ترجمه مفتاح الفلاح» شیخ بهایی که در سال ۱۳۰۱ ق چاپ و منتشر شده است و یا کتاب «فصول المهمة فی أصول الأئمة» تألیف شیخ حر عاملی که به سال ۱۳۰۴ ق در دارالطباعة مشهدی اسدآقای تبریز چاپ و منتشر گردیده و همچنین کتاب «شرح الأصول من الکافی» ملاصالح مازندرانی اشاره نمود، که با سرمایه حسین قلی خان بن فتح علی خان ملقب به نظم السلطنه امیرتومان و در کارخانه مشهدی اسدآقا در هشتصد نسخه به سال ۱۳۱۱ ق چاپ و وقف بر طلاب می‌گردد. از تاریخ وفات شریعتمدار تبریزی اطلاع دقیقی در دست نیست، اما آقابزرگ طهرانی وفات او را حدود سال ۱۳۲۰ ق ذکر کرده است.^۱

اولین اهداکنندگان کتاب به کتابخانه عمومی تبریز

چنانچه در روزنامه ناصری (سند شماره ۱) اشاره شده است، در ابتدای آغاز به کار این کتابخانه ۱۱ نفر از صاحب منصبان، تجار و علمای تبریزی اقدام به وقف کتاب بر این کتابخانه می‌کنند، که اسامی آنها بدین قرار است: ۱. حسین قلی خان بن فتح علی خان نظم السلطنه؛ ۲. حسین پاشاه ملقب به امیربهادر جنگ (۱۳۳۶-؟ ق)؛ ۳. میرزا رفیع خان مستشار السلطنه؛ ۴. میرزا فضل الله خان میشر السلطنه سرتیپ اول و رئیس اداره تلگراف خانه‌های مملکت آذربایجان؛ ۵. مصباح الدوله؛ ۶. محمد علی خان سرتیپ، اعتماد دفتر؛ ۷. مجید خان مؤتمن دفتر؛ ۸. افتخار السادات؛ ۹. حاجی سید مرتضی؛ ۱۰. حاجی مهدی بن آقا [تاجر کوزه کنانی] تبریزی؛ ۱۱. میرزا محمد حسین شریعتمدار تبریزی

از قرار معلوم رویه وقف و اهدای کتاب به این کتابخانه استمرار داشته است، چنانچه می‌بینیم که در شماره دیگری از روزنامه ناصری خبر اهدای کتاب توسط آقامیرزارضا فرزند تاجرباشی و فرزند حاجی محمدآقای تاجرباشی به این کتابخانه درج گردیده است. (سند شماره ۳)

۱. الذریعه، ۲۶۱/۱۸.

سند شماره (۳)

اهدای کتاب به کتابخانه عمومی

«اهدا

در یکی از شماره‌های سال اول همین جریده مرقوم داشته بودیم که کتابخانه درب جنب مسجد و کتب‌خانه احسانی حاجی میرزا حسنخان خازن لشکر که در دم ارک واقع می‌باشد خود معزی الیه برای وقف عمومی معین و مخارج لازمه آنرا متکفل هستند و کتبی که در آنجا حاضر و برای استفاضه عامه موجود است اشاره شده بود از آنروی که بحمدالله اهل دارالسلطنه بالطبع مایل ترقی و راغب ترویج اینگونه تأسیسات می‌باشند آقامیرزا رضا پسر مرحوم تاجرباشی که با حسن مدنیت معروف هستند صد جلد از کتاب مرآت البکا که نظماً در مرآتی باطرزی خوش و وضعی دلکش از اثر فکر کریم و طبع سلیم جناب آقامیرمحسن سیدالشعرا صورت تالیف یافته وقف کتابخانه مرقوم نموده‌اند.

همچنین هشتاد جلد هم از همان کتاب فرزند ارجمند جناب حاجی محمدآقای تاجرباشی وقف همان کتابخانه کرده‌اند.»^۱

فهرست کتاب‌های کتابخانه عمومی تبریز

در آن روزگار هنوز تعریف درستی از کتابخانه آنهم از نوع عموماً در دست نبود و از طرفی چاپ و انتشار کتاب آنچنان که باید توسعه نیافته بود تا در بازار کتاب با طیف متنوع و وسیعی از کتاب روبه‌رو باشیم، از همه مهمتر سوادآموزی به معنی یادگیری علوم جدید جایی در جامعه نداشت و سواد در خواندن و نوشتن قرآن، حدیث و کتب دینی تعریف می‌گردید. بنابراین طبیعی است که هرکدام از اهداکنندگان تنها به وقف و اهدای کتاب‌هایی بپردازند که در همین دایره موضوعی بوده و البته در بازار موجود و در دسترس آنهاست و نه کتاب‌هایی که مورد نیاز جامعه و چه بسا مراجعه‌کنندگان به کتابخانه است.

به جز میرزا محمد حسین شریعتمدار که ۲۰۰ جلد کتاب متفرقه وقف نموده و اطلاعی از عناوین و موضوعات آن نداریم، مابقی کتاب‌ها، آثاری است که توسط واقفانی که ذکر نامشان گذشت بر این کتابخانه وقف شده‌اند. قابل توجه آنکه بیشتر این آثار پیش از افتتاح کتابخانه، با تشویق میرزا محمد حسین شریعتمدار تبریزی و با سرمایه همین واقفان در شهر تبریز چاپ و انتشار یافته بودند و مطابق یادداشتی که در ابتدا و یا انتها آنها به چاپ رسیده بر طلاب و یا عموم مردم وقف شده بودند و حالا با تأسیس این کتابخانه این بانیان خیر فرصتی به دست می‌آورند تا تعداد متنابهی (۵۰ یا ۱۰۰ نسخه) از

۱۶

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. روزنامه ناصری، سال دوم، شماره ۶، جمعه ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۱۲ق، ص ۴۷.

این کتاب‌ها را بر کتابخانه عمومی تبریز وقف نموده تا در اختیار مراجعه‌کنندگان آن قرار گیرد. این آثار عمدتاً به زبان فارسی و در موضوعاتی چون قرآن، دعا، واقعه کربلا و کلام هستند که البته بیشترین حجم آثار کتب ادعیه است. (فهرست پیوست ۱)

شیوه اداره کتابخانه عمومی تبریز

آنگونه که در اعلان روزنامه ناصری آمده است (سند شماره ۱) افرادی که مایل به مطالعه کتابی از کتاب‌های این کتابخانه بودند می‌توانستند با مراجعه به این کتابخانه و اطلاع به کتابدار کتابخانه، یعنی میرزا محمدحسین شریعتمدار، قبضی داده و کتاب را به منزل برده و پس از مطالعه و بازگرداندن کتاب قبض خود را دریافت نمایند. متأسفانه اطلاعی از اینکه این قبض چه بوده و چه نوع ضمانتی برای بازگشت کتاب محسوب می‌شده نداریم.

مرگ خازن لشگر پایانی بر اولین کتابخانه عمومی ایران

تأسیس این کتابخانه همچون مدرسه ارک با همت میرزا حسنخان خازن لشگر صورت می‌گیرد، هرچند در ادامه افرادی نسبت به تهیه کتاب برای این کتابخانه با او همکاری و همراهی می‌کنند، اما پرواضح است که اساس تشکیل و اداره این کتابخانه مبتنی بر تلاش‌ها و سرمایه خازن لشگر است.

مطابق اعلانی که در روزنامه ناصری به تاریخ شنبه ۱۱ رجب سال ۱۳۱۳ ق درج گردیده است، میرزا حسنخان خازن لشگر طی حکمی برای مسافرت موقتی به دارالخلافه طهران فرستاده می‌شود.^۱ اما از قرار معلوم دیری نمی‌پاید که او به صورت ناگهانی دار فانی را وداع می‌گوید. خبر درگذشت او در روزنامه ناصری بدین شرح آمده است:

سند شماره (۴)

خبر درگذشت میرزا حسنخان خازن لشگر

«تأسف

حاجی میرزا حسنخان خازن لشکر رئیس مخزن و قورخانه آذربایجان که چندی پیش عازم دارالخلافه طهران گردیده و موقتاً در آنجا اقامت داشتند از قرار خبر تلگرافی که به تبریز رسیده روز پنجشنبه (۱۳) شهر رمضان المبارک فجاء برحمت ایزدی واصل و بحیات ابدی نایل گشته‌اند.

۱. روزنامه ناصری، سال دوم، شماره ۲۹، شنبه ۱۱ رجب سال ۱۳۱۳ ق، ص، ۲۵۳.

الحق مرحوم معزی الیه گذشته از تدین و زهد و تقوی وجودشان برای ابنای وطن مغتنم بودی بسی آثار خیریه که از وجود ایشان در این شهر و دیار بیادگار ماند و حقیقه توان گفت که وجودشان منحصر بفرد و در مراتب خیرخواهی ابنای وطن و حسن رفتار شبیه و نظیر نداشتند از خبر رحلت ایشان اهل شهر را نوعی ملال و کدر حاصل آمد که گوئی پدرشان رخت بدانجهان کشید ولی آثار خیریه که از ایشان بیادگار است همه وقت موجب تذکار و از عقبش ذکر خیر زنده کند نام را از خداوند سائلیم که روح پرفتوح آمرحوم را مهبط انوار خود فرموده و غریق بحر غفران فرماید^۱

بعد از درگذشت خازن لشکر پرونده مدرسه ارک و کتابخانه عمومی تبریز بسته و خانه‌ای که کتابخانه عمومی در آن برقرار بود نیز به فروش گذاشته می‌شود.^۲

تأسیس انجمن معارف مقدمه راه اندازی کتابخانه‌ای ملی در طهران

سرآغاز فعالیت انجمنی با عنوان «انجمن معارف» در طهران مقدمه‌ای برای تأسیس و راه اندازی کتابخانه‌ای ملی می‌گردد. انجمنی متشکل از رجال سیاسی، تجار و معارف خواه که در اوایل حکومت مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۲۴-۱۲۶۹ق) و همزمان با صدارت حاج میرزا علی خان فرزند میرزا محمدخان سنگی ملقب به امین الدوله (۱۳۲۲-۱۲۶۰ق) تأسیس می‌گردد. این انجمن از قرار معلوم با هدایت و پیگیری‌های محمود بن ابراهیم قاجار دولو معروف به علامیر و ملقب به احتشام السلطنه (۱۳۵۴-۱۲۷۷ق) راه اندازی و تأسیس می‌شود. هرچند نقل قول‌هایی مبنی بر تأسیس این انجمن توسط سیدکریم خان فیروزکوهی ملقب به سردار مکرّم و همچنین امین الدوله نیز مطرح است.^۳

احتشام السلطنه می‌دانست که لازمه توسعه سوادآموزی ایجاد مدارس جدید است و کتاب و کتابخوانی یکی از اولین و مهمترین نیازهای جامعه باسواد به شمار می‌رود. او که در دوره حکومت ناصرالدین شاه چندباری مترصد راه اندازی مدارس جدید بود و برای اینکار مورد خشم و غضب ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفته بود، در دوره حکومت مظفرالدین شاه موقعیت را برای این مهم مناسب دیده و تصمیم به انجام اینکار می‌گیرد.^۴

۱. روزنامه ناصری، سال دوم، شماره ۳۶، جمعه ۲۱ رمضان ۱۳۱۳ق، ص ۳۳۹.

۲. تاریخ فرهنگ آذربایجان، ۲۰.

۳. ترویج علم: از انجمن معارف تا انجمن ترویج علم، ۷.

۴. خاطرات احتشام السلطنه، ۳۱۶.

او در خاطراتش نقل می‌کند که با تشویق سردار فیروزکوهی و جمعی از معارف خواهان طی جلسه‌ای که در خانه برادر سردار فیروزکوهی تشکیل می‌گردد^۱ به گفت‌وگو پرداخته و ضمن اشاره به ضعف‌های سیستم آموزشی مدرسه دارالفنون و ایراداتی به وزارت علوم به تشویق حاضرین برای حل مشکلات تعلیم جوانان و توسعه معارف در سراسر ایران می‌پردازد.

از آنجایی که این جمع می‌دانستند برای این مهم نیاز به اجازه و همراهی حکومت دارند، نامه‌ای به امین‌الدوله که به تازگی به صدارت رسیده نوشته و تشکیل این جلسه و اهداف آنرا به او اطلاع می‌دهند. آنها برای تشکیل و تأسیس مدارس و اداره آن و تشویق و جلب نظر دیگر مردم برای کمک مالی اقدام به تشکیل انجمنی با نام «انجمن معارف» می‌کنند.^۲ گفته شده است که نخستین جلسه انجمن معارف در تاریخ شوال سال ۱۳۱۵ق در محل مدرسه رشديه تشكيل می‌گردد.^۳

چندی نمی‌گذرد که تعداد شاگردان مدارس از سه هزار نفر تجاوز نموده و مدارس متعددی با نام‌های رشديه، علمیه، ابتدائیه، مدرسه سادات، مدرسه قدس و... در طهران تأسیس و برپا می‌گردد.

تأسیس کتابخانه ملتی مرکزی ایران

رشد و توسعه مدارس جدید بیش از پیش نیاز به کتابخانه را به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه فرهنگی آنچنانکه در ملل متمدنه رایج بود به اعضای انجمن معارف گوشزد می‌کرد. ازینرو انجمن معارف در فصل چهاردهم نظامنامه خود تأسیس کتابخانه ملی و تعیین مکان و تهیه لوازم و اسباب آنرا^۴ از جمله وظایف خود برشمرد و در مدت کوتاهی پس از تأسیس انجمن با برگزاری جلساتی مقدماتی مکان، ریاست و چگونگی فعالیت این کتابخانه را ترسیم و اقدام به راه‌اندازی کتابخانه می‌کند.

۱. همان، ۳۱۸.

۲. همان، ۳۲۵.

۳. ترویج علم: از انجمن معارف تا انجمن ترویج علم، ۸.

۴. روزنامه معارف، شماره ۱۲، ۱۵ محرم ۱۳۱۷ق، ص ۴.

سند شماره (۵)

اعلام تأسیس کتابخانه ملتی در طهران

«انجمن معارف و کتابخانه ملتی عمومی

در این عصر گویا بر همه عالم و تمام طوایف امم بدون استثناء معلوم و مبرهن شده باشد که اصل و اساس تمدن و سرمایه ترقی بشر علم و دانش است و چیزی که انسان را از ظلمات جهل و غمرات بدبختی نجات تواند داد و بثمرات سعادت تواند رسانید فقط نور علم و معرفت است، چنانکه امروز می بینیم هر قومی که بیشتر درک اینمعنی کرده و پیشتر سالک این سبیل شده زودتر عارج معارج ترقی و تکمیل گردیده اند.

راه ترویج علم و توسعه دانش چاپ و طریق تربیت و تکمیل ملت کلام است بی شبهه تکثیر مدارس و مکاتب و تهیه کتب و رسائل متنوعه از هر علم و فن برای تمام ابناء وطن تا باین وسایل و اسباب تشویق خاطر و تسهیل کار دانش جویان و طلاب شود و از این رو است که امروز در ممالک متمدنه خارجه در اکثر بلاد عظیمه کتابخانهای ملی عمومی تهیه و ترتیب داده که هر یک مشتمل بر کتورها کتاب است و ارباب خیر و طالبان ثواب و هواخواهان ترقی نوع بشر که امروز نظر از عوالم ذاتیه خورد و خواب و تهیه اسباب تنعم قدم فراتر نهاده و ثروت و مال را برای تحصیل آمال عالیه میخواستند چنانکه بنا شده است یکدفعه ملیونها هستی خویش را فدای ملت میکنند و تمام افراد و انبای وطن را مثل پاره تن خود میدانند پولها و مالهای گزاف خرج و صرف این کتب آنها کرده و کتابهای نفیس از هرکجا گردآورده و وقف بعامه ملت نموده اند که هرکس امروز هر کتابی بخواهد بترتیب و قانونی که مقرر است بکتابخانه ملتی رجوع نموده استعارت میکنند و استفادت مینمایند.

و این است که امروز در آن ممالک نیکبخت سلطان علم و درایت علم و رایت فرمانروائی افراخته و اقالیم جهان را رایگانه مسخر خویش ساخته است زهی نیکبختی و سعادت هرکسی را که در ظل آن رایت درآید و در حصن حصین دانش جای گیرد که گأئه مصداق (مَنْ دَخَلَهُ كَانِ آمِنًا) خواهد بود.

باری امروز که انجمن معارف ایران برای ترویج علوم و صنایع کمر همت بسته میخواست با تھی دستی هزاران آرزو و آمل موهوم را بحیز هستی درآرد و چنین دانسته که اصل و اساس هر کاری همت و اقدام است نه مال و خواسته و گنج آراسته و حمدی خدایرا بيمين اقبال مصون ... و توجهات کامله این شاهنشاه کارآگاه جوانبخت بلند همت اعنی اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایون (مظفرالدین شاه) خلدالله سلطانه و اقدامات کریمانه دستور معظم مفخم حضرت مستطاب اشرف اکرم صدر اعظم انجمن معارف در مدتی قلیل اقدامات جلیل نموده و تا یکدرجه مقاصد عالیه خود نایل گشته یعنی در ظرف سه چهارماه بنام نامی همایون مدارس عدیده ملیه بترتیب و اساسی صحیح و متقن انشاء نموده و علوم مفیده بمعرض تعلیم و تعلم درآورده جمعی کثیر از نوباوگان وطن و جوانان هوشمند فطن را با شوق خاطر در این مدارس جمع نموده است رفته رفته طایر خیال اوج گرفته و راههای صعب السلولک را بعنایت حضرت ملک الملوک سهل یافته و بتحصیل مقاصد عالیه جری گشته در این ایام مصمم شد که بقانون ملل متمدنه سائره یک کتابخانه عمومی ملتی در دارالخلافه تأسیس نماید اجزه انجمن پس از یک دو مجلس مشاوره بر اجرای این مقصود متفق شدند و عمارتی مخصوص و شایسته در اول خیابان علاءالدوله در کوچه مقابل کوچه میدان مشق تهیه نموده مبارکی و میمنت از روز دوشنبه هفتم شهر جمادی الآخره کتابخانه عمومی ملتی افتتاح گردید و در آن روز اجزاء انجمن معارف هر یک کلام الله مجید و کتابی معتبر وقف کتابخانه نموده و ظهر آنرا بنام خود مرقوم و بخاتم خویش مختوم ساختند و اسم ایشان در دفتر کتابخانه ثبت و ضبط شد.

و بانفاق و تصویب انجمن ریاست این کتابخانه شریفه حسب اللیاقه همیرزا اسمعیل خان آجودانباشی توپخانه مبارکه از اعضای انجمن معارف که جامع سیف و کتاب است و در دایره دانش صاحب رأی صواب واکذار شد که موافق دستورالعمل انجمن مراقب انتظامات آن باشد و دستورالعمل مزبور مطابق قواعد و تنظیمات کتابخانههای معتبره سائره ممالک متمدنه معظمه خواهد بود که فعلا انجمن معارف مشغول ترجمه و ترتیب آن است.

حال تکمیل این اساس و بنا بسته بهمت غیرتمندان ملت و هواخواهان عالم انسانیت است که انشاءالله عنقریب یادگاریها در این کتابخانه گذارند و نام خویش در دفتر روزگار باسم خدمت ملت باقی و مؤید کنند که بی‌شبه (نام نیکو گر همانند زآدمی)

(به کزو ماند سرای زرنگار)

پس محض اطلاع عامه اعلان میکنیم که هرکس بخواهد در این امر خیر و فیض عام شرکت نماید و هرچند مجلد کتاب که میل داشته باشد از هر علم و هر قسم و هر زبان وقف این کتابخانه ملتی فرماید قبول زحمت فرموده اول اسم خود را در ظهر کتب مرقوم و بخاتم شریف مختوم داشته پس از آن محل مزبور ارسال و قبض چاپی مهر کتابخانه ملتی دریافت فرماید و آنچه معروض افتاد مصداق (ذالک الکتاب لاریب فیه) دانند. و هم اعلان و اعلام میشود که در همین خانه و عمارت که کتابخانه عمومی ملتی در آنجا میباشد و عجاله مرکز انجمن معارف هم در همانجاست مدرسه نیز برای تدریس علوم متنوعه احداث و دایر شده است محض از برای اشخاصی که طالب تحصیل علوم بوده اما بواسطه کبر سن خوش نداشته باشند که در مدرسه اطفال با شاگردان خردسال تحصیل نمایند باین مدرسه تشریف بیاورند و ابتدا برای قرار کار درس و تحصیل ایشان لازم است که یکی از ایام یکشنبه یا چهارشنبه وقت عصر که انجمن معارف در آنجا منعقد است تشریف آورده تا قرار تحصیل ایشان بهر علمی که مایل باشند داده شود^۱

کتابخانه ملتی مرکزی ایران به صورت رسمی در تاریخ دوشنبه هفتم جمادالثانی سال ۱۳۱۶ق. در طهران و در خیابان علاءالدوله افتتاح می‌گردد. در این روز جمع کثیری از معارف پروران با وقف و اهدای کتاب کمک می‌کنند تا کتابخانه شکل گرفته و به محلی برای مراجعه دانش آموزان و علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی باشد، افتتاح این کتابخانه را عبدالحسین خان ملک‌المورخین در کتاب خود اینگونه روایت می‌کند:

«در روز دوشنبه هفتم جمادی الاخری ۱۳۱۶ در طهران در خیابان علاءالدوله، ایجاد کتابخانه عمومی ملتی شد. تأسیس آن از اجزای انجمن معارف است و همان جا را انجمن معارف قرار دادند و ریاست کتابخانه به دست میرزا اسمعیل خان امیرتومان آجودان باشی توپخانه است و نیز مدرسه برای علوم و السنه در آنجا دائر شد که مردمان مسن بتوانند در آنجا تحصیل نمایند»^۲

ریاست کتابخانه ملتی مرکزی ایران و دیگر کارکنان آن

چنانچه اشاره گردید ریاست این کتابخانه بر عهده میرزا اسماعیل خان امیرتومان، آجودان باشی توپخانه قرار می‌گیرد. وی فرزند علی اکبرخان آجودان باشی (۱۲۹۸-۱۳۰۸ق) است که دارای چهار فرزند پسر به نام‌های اسماعیل، ابراهیم، حسین و غلام حسین بوده

۱. روزنامه اطلاع، شماره ۴۵۵، چهارشنبه ۹ جمادی الاخر ۱۳۱۶ق، ص ۳.

۲. مرآت الوقایع مظفری، ۱/۲۵۹؛ روزنامه اطلاع، شماره ۴۵۵، ۹ جمادی الثانی، ۱۳۱۶، ص ۲.

است. فرزند ارشد او یعنی اسماعیل به سال ۱۲۶۵ق در شهر زنجان به دنیا آمده و از اواخر ریاست میرزا محمدخان سپهسالار (۱۲۸۴-ق) و در سن شانزده سالگی به همراه برادرش ابراهیم به توپخانه رفته و نزد مصطفی قلی خان سرهنگ که خود از شاگردان موسیو کرشیش و مدرس مدرسه دارالفنون بود شاگردی کرده و به خدمت نظام درمی آید. میرزا اسماعیل سالها مسئولیت کتابت کتابچه‌های توپخانه و کتابچه‌های وقایع و مطالب نظامی را عهده‌دار بوده و بعد از درگذشت پدر به دریافت سمت آجودان باشی اداره توپخانه نائل می‌گردد.^۱ در اعلانی که در روزنامه اطلاع منتشر می‌گردد (سند شماره ۵) میرزا اسماعیل خان و وظیفه او اینگونه تبیین می‌شود:

«...و باتفاق و تصویب انجمن ریاست این کتابخانه شریفه حسب الیاقه بمیرزا اسمعیل خان آجودانباشی توپخانه مبارکه از اعضای انجمن معارف که جامع سیف و کتاب است و در دایره دانش صاحب‌رأی صواب و اگذار شد که موافق دستورالعمل انجمن مراقب انتظامات آن باشد و دستورالعمل مزبور مطابق قواعد و تنظیمات کتابخانه‌های معتبره سایر ممالک متمدنه معظمه خواهد بود که فعلا انجمن معارف مشغول ترجمه و ترتیب آن است.»

وی در سال ۱۳۱۹ق به سمت آجودان باشی توپخانه آذربایجان به شهر تبریز گسیل داده می‌شود و در آغاز سلطنت محمدعلی شاه باز به طهران بازگشته و ضمن همکاری با مخالفان مشروطه نزد محمدعلی شاه مقرب می‌گردد. پس از فتح تهران به دست آزادخواهان و خلع محمدعلی شاه، او را به جرم همکاری نزدیک با محمدعلی شاه در سرکوبی مردم، دستگیر و به اعدام محکوم و در ۱۳ رجب ۱۳۲۷ق/ ۳۱ ژوئیه ۱۹۰۹م به دار آویختند.^۲

مطابق گزارش مختصری که در خصوص هزینه‌های کتابخانه انتشار یافته، مشخص است که کتابخانه کارکنان دیگری نیز داشته است. میرزا غیاث‌الدین که احتمالاً

۱. به ضمیمه «تاریخ مختصر آذربایجان» که به ترجمه برادر میرزا اسماعیل یعنی میرزا ابراهیم خان آجودان باشی و به خط او به نام مظفرالدین شاه قاجار ترجمه شده است، تاریخچه‌ای اجمالی شامل زندگی اجداد و خانواده‌اش از شروع این سلسله تا دوره مظفرالدین شاه، از جمله عبدالمحمدبیگ، نورمحمدبیگ، محمدصالح بیگ، پدرش علی اکبر و برادرش اسماعیل آجودانباشی نگارش یافته است. این نسخه در کتابخانه ملی ایران به شماره ۲۹۵/۷۳۴۱ در دسترس است. فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات، ۲۱۴.

۲. شرح حال رجال ایران، ۱۲۶/۱.

کارپرداز کتابخانه بوده، میرزا خلیل کتابدار و محرر و فردی نیز به عنوان فراش کتابخانه مشغول به فعالیت بوده است.^۱



تصویر ۲. از چپ به راست میرزا اسمعیل خان آجودانباشی، میرزا حسینخان امینالدوله، سیدجواد برادر آجودانباشی (کتابخانه ملی ایران)

۲۳

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

محل کتابخانه ملتی مرکزی ایران

محل این کتابخانه و البته دفتر انجمن معارف، مدرسه اکابر و دارالترجمه ملتی^۲ از ابتدای تأسیس در ابتدای خیابان علاءالدوله (امیرنظام) و در کوچه مقابل میدان مشق در محل خانه ملکی محمودخان احتشام السلطنه قرار داشت.^۳ این ملک از قرار معلوم به صورت اجاره در اختیار انجمن قرار گرفته است.^۴

۱. کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ص ۶.

۲. دارالترجمه ملتی به ریاست ذکاءالملک به تاریخ دوشنبه ۲۱ جمادی الاول سال ۱۳۱۶ق با هدف ترجمه متون از پنج زبان فرانسه، انگلیسی، آلمانی، روسی و ترکی عثمانی تشکیل می‌گردد و قرار بر این است که با تألیف و ترجمه کتاب‌های جدید در موضوعات اخلاق، تاریخ، جغرافیا و فنون جدیده مانند حکمت طبیعی ریاضیات، علوم عقلی و... به توسعه سطح معارف جدید در جامعه کمک نماید. روزنامه اطلاع، شماره ۴۵۶، چهارشنبه ۱۶ جمادی الآخر سال ۱۳۱۶ق، ص ۴.

۳. روزنامه اطلاع، شماره ۴۵۵، چهارشنبه ۹ جمادی الآخر ۱۳۱۶ق، ص ۳؛ روزنامه اطلاع، شماره ۴۵۷، چهارشنبه ۸ رجب ۱۳۱۶ق، ص ۳؛ خاطرات احتشام السلطنه، ۳۲۷.

۴. کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ص ۶.



تصویر ۳. جانمایی حدودی محل اولیه کتابخانه ملتی مرکزی ایران بر رونی نقشه دارالخلافه طهران، به ترسیم عبدالغفار نجم الملک و منتشره به سال ۱۳۰۹ق

۲۴

آینه پژوهش | ۲۰۶

سال ۳۵ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۳



تصویر ۴. جانمایی حدودی محل بعدی کتابخانه ملتی مرکزی ایران بر رونی نقشه دارالخلافه طهران، به ترسیم عبدالغفار نجم الملک و منتشره به سال ۱۳۰۹ق

بنابر گفته‌های احتشام السلطنه با توسعه فعالیت‌های انجمن معارف، خانه مزبور گنجایش کافی برای این منظور را نداشت، لذا به فکر محل جدیدی افتاده و محل سابق شهربانی و اداره پلیس واقع در ابتدای خیابان جلیل‌آباد (خیابان خیام فعلی روبه‌روی قورخانه) را خریداری و به انجمن معارف تخصیص می‌دهند. بعدها و در دوره رضاشاه این محل که به نام شرکت مطبوعات بوده به روزنامه اطلاعات و عباس مسعودی (۱۳۵۳-۱۲۷۴) واگذار می‌گردد.^۱

بودجه کتابخانه ملتی مرکزی ایران، واقفان و اهداکنندگان کتاب

جمع‌آوری اعانه برای انجمن معارف رویه‌ای بود که از ابتدای تأسیس این انجمن در دستور کار قرار می‌گیرد. احتشام السلطنه کتابچه‌ای برای جمع نمودن این وجوه تنظیم کرده و در ابتدای این دفترچه نیز نام مظفرالدین‌شاه با دوهزار تومان اعانه و در زیر آن دستخط امین‌الدوله به این مضمون نگاشته می‌شود که:

«این بنده درگاه برای این مقصد خیر دوازده هزار تومان بندگی خواهم کرد»^۲

طی چند ماهی که اعطای وجوهات به انجمن رو به استمرار است، گزارش‌های فراوانی از اعطای اعانه به این انجمن در روزنامه اطلاع، معارف و دیگر روزنامه‌های آن روزگار دیده می‌شود. از قرار معلوم بخشی از این پول نیز صرف امور کتابخانه می‌گردد، هرچند مقدار آن برای ما مشخص نیست. در گزارشی با عنوان «صورت جمع و خرج صندوق انجمن تأسیس مدارس ملیه مظفریه»^۳ که حاوی اطلاعات وجوه اعانه اولیاء شاگردان و محصلین مدارس مزبوره از ابتدای تأسیس و تشکیل انجمن معارف تا پایان ماه ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ق است، صورت مخارج کتابخانه ملتی در این فاصله بدین شرح تقویم شده است:

«تهیه فرش و روفرشی و سایر ملزومات [ناخوانا] جزء و علیحده، اجاره کتابخانه لغایت سلخ شهر رمضان، مخارج متفرقه کتابخانه به‌توسط میرزا غیاث‌الدین،

۱. خاطرات احتشام السلطنه، ۳۵۱.

۲. خاصرات احتشام السلطنه، ۳۲۵؛ حیات یحیی، ۱۸۹/۱.

۳. روزنامه اطلاع، شماره ۵۰۰، چهارشنبه ۲۴ رجب ۱۳۱۷ق، ص ۲.

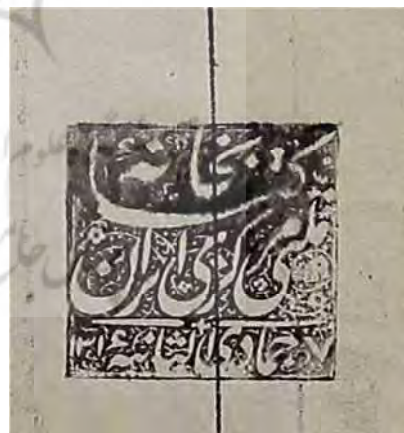
مواجب میرزا خلیل کتابدار و محرر، مواجب فراش کتابخانه، مواجب ناظر و قهوه‌چی انجمن معارف، اجرت نوشتن لوحه کتابخانه، اجرت صحافی و جلد کردن کتابها، قیمت اشیاء و اجناس موافق صورت جداگانه»^۱

از این گزارش اینگونه بر می‌آید که از قرار معلوم از ابتدای تأسیس تا زمان نگارش گزارش هیچ مبلغی برای خرید کتاب هزینه نشده است و از شواهد و قراین چنین می‌توان استنباط نمود که جمع‌آوری کتاب برای این کتابخانه تنها از طریق وقف و اهدا بوده است. همانگونه که در روزنامه اطلاع درج گردیده (سند شماره ۵) اعضاء انجمن در روز افتتاح کتاب و یا کتاب‌هایی را برای اهدا به کتابخانه آورده و در همان روز ضمن نگارش یادداشتی در صفحات اولیه کتاب و ثبت مهر و امضاء بر آن این کتاب‌ها را بر کتابخانه وقف نموده‌اند:

«...از روز دوشنبه هفتم شهر جمادی الآخره کتابخانه عمومی ملتی افتتاح گردید و در آن روز اجزاء انجمن معارف هریک کلام‌الله مجید و کتابی معتبر وقف کتابخانه نموده و ظهر آنرا بنام خود مرقوم و بخاتم خویش مختوم ساختند و اسم ایشان در دفتر کتابخانه ثبت و ضبط شد.»^۲

اعضای انجمن مهری به شکل مربع، با سجعی به خط نستعلیق با متن «کتابخانه ملتی مرکزی ایران ۷ جمادی الثانی ۱۳۱۶» برای این کتابخانه ساخته بودند که بعد از اهدای هرکتاب و یا مجله‌ای به این کتابخانه این مهر در صفحات اولیه و یا دیگر صفحات کتاب ثبت می‌گردید.

با بررسی مخزن کتابخانه ملی ایران و جستجویی که در میان کتاب‌های چاپی، مجلات و آثار خطی آن انجام گردید، ۲۸ عنوان کتاب و مجله‌ای که متعلق به این

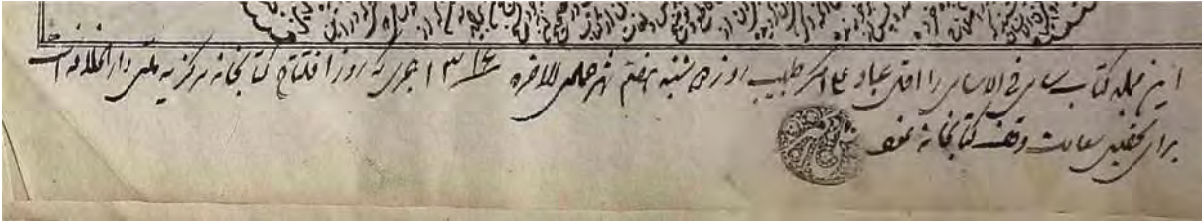


تصویر ۵. مهر کتابخانه ملتی مرکزی ایران

۱. کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ص ۶.

۲. روزنامه اطلاع، شماره ۴۵۵، چهارشنبه ۹ جمادی الآخر ۱۳۱۶ق، ص ۳.

کتابخانه بود شناسایی گردید که در ابتدای برخی از آنها یادداشت وقف توسط واقفان نگاشته شده است. (پیوست ۲)



تصویر ۶. یادداشت و مهر علی اکبر ناظم الاطباء مبنی بر اهدای کتاب به کتابخانه ملتی مرکزی ایران (کتابخانه ملی ایران)

از جمله واقفان این کتابخانه می توان به علی اکبر بن میرزا حسن ملقب به ناظم الاطباء و معروف به نفیسی (۱۳۴۳-۱۲۶۳ق)^۱ اشاره نمود. یادداشت و مهر او در ابتدای کتاب «السامی فی الاسامی» احمد بن محمد میدانی نیشابوری (۵۱۸-؟ق) که به سال ۱۲۷۳ق. چاپ و انتشار یافته، دیده می شود.

۲۷

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

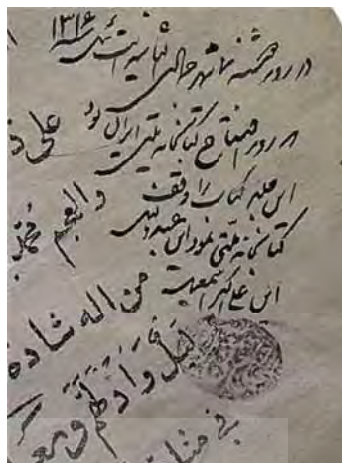
« این مجلد کتاب سامی فی الاسامی را اقل عباد علی اکبر طبیب روز دوشنبه هفتم شهر جمادی الاخره سنه ۱۳۱۶ هجری که روز افتتاح کتابخانه مرکزی ملتی دارالخلافة است برای تحصیل سعادت وقف کتابخانه نمود [مهر بیضی با سجع علی اکبر]»

اسمعیل خان آجودانباشی (۱۳۲۷-۱۲۶۵ق) که در روز افتتاح کتابخانه به عنوان رئیس کتابخانه ملتی مرکزی ایران نیز منصوب می شود، از دیگر افرادی است که مهر و یادداشت او مبنی بر وقف کتاب های «خصایص وحی المبین فی مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام» و کتاب «شرح الرضوی» دیده می شود:

«در روز دوشنبه ۷ شهر جمادی الثانی ایت ثیل سنه ۱۳۱۶ که روز افتتاح کتابخانه ملتی ایران بود این جلد کتاب را وقف کتابخانه ملتی نمود این عبد ذلیل ابن علی اکبر اسمعیل [مهر بیضی با سجع المحتاج الی الله اسمعیل؟]»

۱. دکتر علی اکبر نفیسی ناظم الاطباء، ۶۱.

سید یحیی دولت‌آبادی (۱۳۱۸-۱۲۴۱) از دیگر
اعضاء انجمن است که در روز افتتاح
کتابخانه کتابی با عنوان «منهج النجاة» نگاشته
فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۶ق) که با تقریظ خود او به
سال ۱۳۱۱ق در طهران به چاپ رسیده بر کتابخانه
ملتی وقف می‌نماید:



تصویر ۷. یادداشت و مهر اسمعیل خان
آجودانباشی مبنی بر اهدای کتاب به کتابخانه
ملتی مرکزی ایران (کتابخانه ملی ایران)

«هو الله تعالی روز دوشنبه هفتم شهر جمادی الثانی
۱۳۱۶ که روز افتتاح کتابخانه مرکزیه عمومیه ایران
است این کتاب وقف موبد کتابخانه مرکزیه شد و انا
الاقل یحی الحسینی الاصفهانی [مهر بیضی با سجع
یحی الحسینی]»

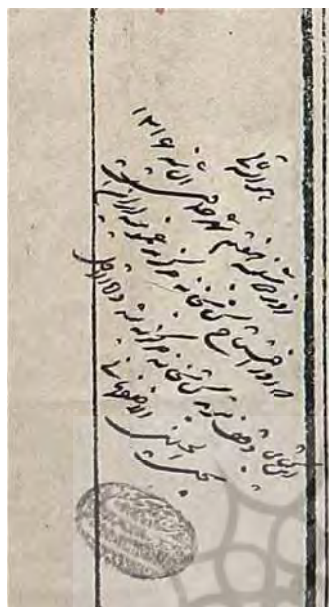
همچنین فردی با نام عباس مشهدی نیز کتاب «علم مساحت» تألیف کرشیش را که
سال ۱۲۷۴ق منتشر گردیده، با این یادداشت بر کتابخانه ملتی وقف می‌نماید:

«امروز که روز دوشنبه هفتم جمادی الثانیه است روز افتتاح کتابخانه ملی ایران
است این کتاب را وقف کتابخانه مرکزی ملتی کردم عباس مشهدی... ۱۳۱۶»

ابراهیم بن احمد لاریجانی ملقب به سعید العلماء از دیگر افرادی است که در تاریخی
جز روز افتتاح کتابخانه ملتی مرکز کتاب «شرح منازل السائرین» را که خود در چاپ و
انتشار آن به عنوان مصحح دخیل بوده با یادداشت زیر به این کتابخانه تقدیم می‌کند:

«این کتاب شرح منازل السائرین و منضمات که از مطبوعات این بنده
حقیر است مجاناً بکتابخانه مبارکه ملتی ایران که انعقاد آن از تاریخ ذیل
است تقدیم شد، ۱۲ شهر جمادی الآخر سنه ۱۳۱۶ [مهر بیضی با سجع] ابراهیم
سعید العلماء»

همچنین فردی به نام «محمد مهدی» نیز از جمله افرادی است که در آن روز کتاب «
تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران» و کتاب «درر التیجان فی تاریخ
بنی اشکان» را به این کتابخانه اهدا نموده است.



تصویر ۸. یادداشت و مهر سیدیجی

دولت‌آبادی مبنی بر وقف کتاب به کتابخانه
ملتی مرکزی ایران (کتابخانه ملی ایران)

احتشام السلطنه از دیگر افرادی است که در آن روز کتاب‌هایی را وقف بر این کتابخانه می‌کند. او در خاطرات خود ذکر می‌کند «قریب یکهزار جلد کتاب که دو ثلث آن خطی بود به کتابخانه ملی واگذار کردم و شروع به جمع‌آوری کتاب از اشخاص نمودم»^۱ که به نظر می‌رسد مبالغه و اغراق نموده است، چرا که تا به امروز نه تنها هیچ کتابی اعم از خطی و چاپی با یادداشت و مهر او مبنی بر وقف بر این کتابخانه پیدا نگردیده بلکه بنابر آگاهی که حدود سه ماه بعد از افتتاح کتابخانه طی یادداشتی در روزنامه اطلاع به ما می‌رسد، متوجه می‌شویم که رویه اهدای کتاب به کتابخانه آنگونه که باید درست پیش نمی‌رود و تعداد کتاب‌های وقفی و اهدائی رشد چشمگیری نداشته و در این یادداشت اشاره می‌شود که تعداد کتاب‌های کتابخانه افزون بر دو بیست جلد هم نمی‌شود. این موضوع آنچنان مأیوس‌کننده است که در این روزنامه زمزمه بازگرداندن همین اندک کتاب‌های وقفی به صاحبانش و تعطیلی کتابخانه نیز بلند می‌شود.

«... اما ماهم از دو سه ماه قبل بهمت و اقدام انجمن معارف یک کتابخانه که عنوان کتابخانه عمومی دارد در مرکز دولت و پایتخت مملکت احداث نموده حدیث آنرا با تشویقات و تحقیقات کل روز ناتمام بسمع ارباب غیرت و همت و هواخاهان مترقی ملت رسانیده‌ایم با این حال هنوز عده کتب این کتابخانه که از طرف صاحبان همم عالییه برای عامه ملت بدل و وقف کتابخانه شده از دو بیست جلد تجاوز نکرده است و شاید اگر از طرف غیرتمندان ملت من بعد همت و همراهی درستی نشود این کتب معدوده موجود هم بصاحبانش مسترد و کتابخانه مزبور که لابد مفتوح و دایر بوده ناگزیر مخارجی دارد یکبار بسته و موقوف شود زهی غیرت زهی همت زهی عصبیت و اتفاق زهی شرف وافیه»^۲

۱. خاطرات احتشام السلطنه، ۳۲۷.

۲. روزنامه اطلاع، شماره ۴۶۳، چهارشنبه ۲۸ شعبان ۱۳۱۶ق، ص ۴.

در گزارش دیگری که سال‌ها بعد از انحلال کتابخانه ملتی یعنی در سال ۱۳۳۰ ق منتشر شده گردیده و به کتاب‌های موجود نزد رئیس کتابخانه یعنی اسماعیل خان آجودان باشی (۱۳۲۷-۱۲۶۵ ق) که در آن تاریخ مرحوم و این کتاب‌ها نزد برادرش میرزا ابراهیم آجودان باشی بوده اشاره می‌نماید، تعداد کتاب‌ها را «یک صد و شصت و دو جلد کتاب عربی و فارسی و یک صد و شصت و پنج جلد کتاب فرانسه و انگلیسی به همراه نقشه» ذکر می‌کند.^۱

اهدای کتاب و حتی دیگر لوازم به کتابخانه ملتی فقط مربوط به زمان افتتاح نبوده و در ماه‌های آتی چنانچه در روزنامه معارف درج گردیده اهدای کتاب و دیگر لوازم مورد نیاز کتابخانه کم و بیش ادامه داشته و از قرار معلوم گزارش‌هایی نیز در آن زمان منتشر گردیده است:

«... و بعضی از غیرتمندان ملت و طالبان تربیت و ترقی دین و دولت نیز کتابها و نقشه‌ها و بعضی لوازم دیگر بمجلس انجمن معارف و کتابخانه ملتی و مدارس ملیه بذل و ایثار کرده‌اند که انشاءالله در موقع خود باسرم و رسم و تفصیل مندرج خواهد شد»^۲

پایان کتابخانه ملتی مرکزی ایران

با وجود ابهامات و تناقضات فراوان در چگونگی تأسیس و اداره انجمن معارف و مدرسه‌ها و دیگر مراکز وابسته به آن، آنگونه که در فصل اول نظامنامه این انجمن آمده یقین داریم که از ابتدا قرار بر این بوده که انجمن معارف، گروهی اجتماعی متشکل از علما، افاضل، اعیان و اشراف باشد:

«انجمن معارف عبارتست از هیئت اجتماعی جمعی از علما و افاضل و اعیان و اشراف که فعلاً از اعضاء انجمن هستند و نیز سایر علما و فضلا و ارباب دانش مملکت بالطبع داخل این انجمن خواهند بود و در مواقع لازمه بقدر لزوم امکان برای حضور در انجمن و استفاده از عقل و رأی و دانش ایشان دعوت مخصوص خواهد شد»^۳

۱. اخبار و اعلان کتاب و کتابخانه به روایت مطبوعات، ۳۷۲.

۲. روزنامه معارف، شماره ۱۰، ۱۵ ذیحجه ۱۳۱۶ ق، ص ۳.

۳. روزنامه معارف، شماره ۴، رمضان ۱۳۱۶ ق، صص ۱-۴.

در این نظامنامه هیچ اشاره‌ای به حکومتی بودن انجمن و یا هرنوع وابستگی به حکومت دیده نمی‌شود. جمع‌آوری اعانه از مردم داخل و خارج ایران برای استمرار فعالیت‌های این انجمن نیز نشانه‌ای بارز از عدم وابستگی به حکومت و نشانی از اهتمام بانیان آن برای مستقل بودن این انجمن به شمار می‌رود.

اما از طرفی حکومت ترس آنرا داشت که نهادی مدنی و قدرتمند در برابر دولت قد علم نماید و از طرف دیگر این نهاد مدنی واهمه آن داشت که حکومت اجازه فعالیت و توسعه فعالیت‌هایش را ندهد و از همین رو بود که انجمن از همان ابتدا ناگزیر از همراه نمودن برخی از ارکان حکومت در فعالیت‌هایش بود. به نظر می‌رسد که وزیر علوم وقت یعنی جعفرقلی خان بن رضاقلی خان ملقب به نیرالملک (۱۳۳۳-۱۲۴۷ق) که با به صدارت رسیدن امین‌الدوله از قدرت بیشتری برخوردار می‌گردد، از جمله افرادی است که سعی در قبضه نمودن انجمن معارف و فعالیت‌هایش آنهم به نام وزارت علوم دارد، روندی که مسیر انجمن را از یک نهاد مدنی به یک نهاد حکومتی صرف تغییر می‌دهد. مهدی‌قلی خان هدایت ملقب به مخبرالسلطنه (۱۳۷۵-۱۲۸۰ق) معتقد بود که احتشام‌السلطنه در آتش حسد مخالفان انجمن آسیب دید و در باب چگونگی ورود و تسلط نیرالملک به انجمن چنین بیان می‌کند:

«احتشام‌السلطنه می‌خواهد کار معارف جدید بصورت ملی جاری گشته از حوزه اختیارات وزیر علوم خارج باشد، احتشام‌السلطنه دوتن از اعضای وزارت خارجه را با خود همدست نموده در اجرای مقصد خویش با همراهی آنها کوشش می‌نماید و آن دو تن میرزا محمودخان مفتاح‌الملک و میرزا مهدی خان ممتحن الدوله می‌باشند.

ورقه‌ئی که نام اعضای انجمن در آن نوشته شده بصدر اعظم می‌رسد، صدر اعظم مقدم بر دیگر نام‌ها نام نیرالملک وزیر علوم را نوشته و رقه را امضاء نموده می‌فرستد، احتشام‌السلطنه و همراهانش مجبور میشوند وزیر علوم را بانجمن دعوت نمایند و بعلاوه دعوتنامه رسمی انجمن را برای اعضاء بامضای او بفرستند»^۱

۱. حیات یحیی، ۱/۱۸۸.

دشمنان احتشام السلطنه به بهانه ضدیت انجمن با استقلال سلطنت شروع به نگارش عریضه‌هایی خطاب به شاه و صدراعظم می‌نمایند و این عریضه‌ها که با تصدیق وزیر علوم و تأیید صدراعظم نیز همراه بود، دست آخر مظفرالدین شاه را نسبت به فعالیت‌های انجمن چنان بدگمان کرد که ریاست انجمن را از وظایف خاص خود شمرد و نیابت را طبق فرمانی به نیرالملک سپرد:

«نیرالملک وزیر علوم و معارف، چون کار ایجاد مدارس و مکاتب ملیه و کتابخانه ملتی به فضل خدا و حسن مراقبت و اقدامات شما و اجزای انجمن معارف پیشرفت کامل حاصل نموده و موجب خرسندی خاطر ما گردیده است و امیوار است انشاءالله تعالی روزبه‌روز بهتر و کاملتر شود و از طرف ما باید مراقبت و توجه مخصوص در این باب بشود و در حقیقت ریاست این اداره و مجلس حق شخص همایون ماست، لذا شما را که شخص مجرب کافی و دولتخواه بی‌غرض و از اوضاع داخله و خارجه کاملاً با اطلاع هستید از جانب خودمان مخصوصاً ماموریت می‌دهیم که زاندا علی ما سبق مراقبات کامله در انتظام امر مدارس و مکاتب و مجلس انجمن معارف و صندوق انجمن، و حفظ احترام اعضای آن به عمل آورده و راپرتها و عریض و مستدعیات انجمن را که راجع به امر مدارس ملیه و کتابخانه ملتی است به اطلاع جناب مستطاب اشرف صدر اعظم بدون تاخیر به عرض برسانید و احکام لازمه را هر طور صلاح بدانید صادر نمایید و مجرا دارید که ما شخص شما را در امورات مزبوره مسئول می‌دانیم لاغیر، شهر رجب ۱۳۱۶»^۱

در سال ۱۳۱۷ق کتابخانه ملتی مرکزی ایران کم‌وبیش مشغول فعالیت است، هرچند اطلاعات و گزارش‌های آنچنانی در خصوص اهدای کتاب و یا دیگر فعالیت‌های این کتابخانه در دست نیست. در این سال گزارشی با عنوان «صورت جمع و خرج صندوق انجمن تأسیس مدارس ملیه مظفریه»^۲ منتشر می‌گردد که حاوی اطلاعات وجوه اعانه اولیاء شاگردان و محصلین مدارس مزبوره از ابتدای تأسیس و تشکیل انجمن معارف تا

۱. روزنامه معارف، شماره ۱، اول شعبان ۱۳۱۶؛ روزنامه ایران، شماره ۹۴۸، ۲۱ رجب ۱۳۱۶ق؛ مرآت الوقایع مظفری، ۳۰۵/۱.

۲. روزنامه اطلاع، شماره ۵۰۰، چهارشنبه ۲۴ رجب ۱۳۱۷ق، ص ۲.

پایان ماه ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ ق است. بخشی از این گزارش به بیان صورت مخارج کتابخانه ملتی در فاصله جمادی‌الثانی ۱۳۱۶ تا ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ ق اختصاص یافته است. بر این اساس، موضوع مخارج مزبور به شرح زیر تقویم شد:

«تهیه فرش و روفرشی و سایر ملزومات [ناخوانا] جزء و علیحده، اجاره کتابخانه لغایت سلخ شهر رمضان، مخارج متفرقه کتابخانه به توسط میرزا غیاث‌الدین، موجب میرزا خلیل کتابدار و محرر، موجب فراش کتابخانه، موجب ناظر و قهوه‌چی انجمن معارف، اجرت نوشتن لوحه کتابخانه، اجرت صحافی و جلد کردن کتابها، قیمت اشیاء و اجناس موافق صورت جداگانه»^۱

همچنین در شوال همین سال طی مقاله‌ای با عنوان «آثار مظفری» نویسنده ضمن اشاره به فعالیت‌های مختلف فرهنگی و تجاری که در دوره حکومت مظفری صورت گرفته به کتابخانه ملتی اشاره و اظهار امیدواری نموده است که با همراهی و مساعدت معارف پروران به مرور همانند کتابخانه‌های سایر کشورهای متمدن گردد.^۲

اینگونه به نظر می‌رسد که بعد از واگذاری انجمن معارف به نیرالملک و افزایش اختلاف و تفرقه میان اعضای این انجمن و در ادامه با بیرون کردن احتشام‌السلطنه از طهران، کتابخانه عمر چندانی نداشته و آهسته آهسته رو به تعطیلی گذاشته و حتی بنابر آنچه احتشام‌السلطنه نگاشته است، محل ملکی کتابخانه نیز چوب حراج خورده و از بین می‌رود.^۳

بعد از تعطیلی کتابخانه کتاب‌های آن نر اسماعیل خان آجودان‌باشی به امانت محفوظ می‌ماند و بعد از اعدام او در سال ۱۳۲۷ ق این کتاب‌ها به برادرش ابراهیم خان آجودان‌باشی سپرده می‌شود، تا اینکه فردی با نام منتصرالسلطان این کتاب‌ها را به کتابخانه ملی وقت یا همان کتابخانه معارف منتقل می‌نماید. گزارش این موضوع در سال ۱۳۳۰ ق در روزنامه آفتاب اینچنین نقل شده است:

۱. کتاب‌خانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ص ۶.

۲. روزنامه اطلاع، شماره ۵۰۷، چهارشنبه ۱۳ شوال ۱۳۱۷ ق، ص ۳.

۳. خاطرات احتشام‌السلطنه، ۳۳۱.

سند شماره (۶)

گزارشی از بازگرداندن تعدادی کتاب متعلق به کتابخانه ملتی که نزد رئیس آن اسماعیل خان آجودان باشی بوده است

«کتبی به اسم کتابخانه ملی در جمع مرحوم آجودانباشی که یکی از مؤسسين کتابخانه ملی بوده‌اند، بود و چون بایستی در کتابخانه ملی که در وزارت معارف دایر است، باشد، به این جهت وزارت‌خانه مذکور با آقای میرزا ابرهیم‌خان آجودانباشی مشغول مذاکرات شده تا اینکه در یوم ۱۴ شهر حال [ذی‌حجه] به توسط آقای منتصرالسلطان نماینده اداره تفتیش کل که مأمور اخذ کتب بوده‌اند، یک‌صد و شصت و دو جلد کتب عربی و فارسی و یک‌صد و شصت و پنج جلد کتب فرانسه انگلیسی و نقشه دریافت نموده و حمل به کتابخانه مزبور شده است.»^۱

چندین سال بعد حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی که خود از همراهان و همکاران انجمن معارف بود، طی گزارش کوتاهی ضمن اشاره به تأسیس کتابخانه ملتی و علت تعطیلی آن به انتقال این کتاب‌ها به کتابخانه دارالفنون (معارف) و عاقبت این کتابخانه اشاره می‌نماید.

سند شماره (۷)

یادداشت یحیی دولت‌آبادی در خصوص چگونگی تأسیس کتابخانه ملتی و علت تعطیلی آن و عاقبت کتاب‌هایش

«در شماره ۷۵۷ راجع به بنای کتابخانه ملی شرحی مرقوم شده و از کتابخانه که اوائل مشروطیت تأسیس شده و از کتب و سرمایه آن نامی برده شده است. در این مقام مناسب بود از کتابخانه ملی اول هم که قبل از مشروطیت در سال ۱۳۱۷ تأسیس شد یادآوری شده باشد. انجمن ملی که بنام انجمن معارف در آن وقت دایر و مؤسس مدارس ملیه بود کتابخانه مزبور را تأسیس کرده بزمان کم مقداری کتاب مفید در آنجا فراهم آورده و مورد توجه عموم گشت. و چون انجمن مزبور بواسطه یک دسیسه‌کاری که ناشی از حسادت بود بی‌سبب مورد بدگمانی دولت گشت و بصورت دیگر درآمد کتابخانه ملی مزبور هم جایجا شد و چند سال معطل بماند و بالاخره قسمتی از آن به کتابخانه دارالفنون رسیده، باقی از میان برقت این یادآوری اگر شده بود دو فایده میداشت یکی آنکه معلوم می‌شد کتابخانه دارالفنون مرکب است از کتب قدیمه خود و از کتابهای کتابخانه اول و دیگر آنکه صاحبان آن کتب و مؤسسين آن کتابخانه که بعضی از آن‌ها هنوز در قید حیاتند و پاره از ایشان در طهران حضور دارند میدانستند سعی آنها نزد خلق اقلاً بیک یادآوری مشکور است. ح.م. یحیی»^۲

هرچند ما به طور دقیق نمی‌دانیم که در چه سالی به کار کتابخانه ملتی پایان داده می‌شود، اما قابل ذکر است که در سال ۱۳۱۹ ق با تشکیل دو جلسه مشورتی به تاریخ‌های یکشنبه ۱۳ و سه‌شنبه ۱۵ رجب در منزل وزیر علوم و معارف یعنی نیرالملک‌آساس و

۱. اخبار و اعلان کتاب و کتابخانه به روایت مطبوعات، ۳۷۲، به نقل از: روزنامه آفتاب، شماره ۱۱۹، س ۱، ۲۲.

ذی‌حجه ۱۳۳۰ قمری، ص ۳.

۲. روزنامه ایران، شماره ۷۵۹، ۲۷ محرم ۱۳۳۹، ص ۳.

بنیان انجمن معارف تغییر کرده و کلیه امور مربوط به مدارس جدید در اختیار «هیئت وزارت معارف» مرکب از وزیر علوم و معارف، معاون وزارت معارف، منشی وزارت معارف، رئیس تعلیمات ابتدائیه و اجزاء آن، رئیس متوسطه و اجزاء آن و رئیس تعلیمات عالییه یا خصوصیه و اجزاء آن قرار می‌گیرد. این موضوع به اطلاع مظفرالدین شاه رسیده و او طی دست خطی هرنوع فعالیت در حوزه معارفی که خارج از این چهارچوب باشد را قدغن اعلام می‌کند:

«جناب اشرف اتابک اعظم این کتابچه را ملاحظه کردم از همین قرار قدغن بکنید رفتار بکنند، شهر رجب ۱۳۱۹»^۱

بدین صورت و با انحلال انجمن معارف و تفویض همگی فعالیت‌های آن به وزارت معارف است که فعالیت‌های این انجمن همچون کتابخانه نیز تعطیل می‌گردد.

راه‌اندازی کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌های عمومی اما پولی

در سال ۱۳۱۶ق طی مقاله‌ای که با عنوان «کلمه اسلامی» در روزنامه اطلاع منتشر می‌شود، نویسنده ضمن اشاره به معاضدت و موافقت مسلمانان با یکدیگر که آنرا برای ترقی جامعه مسلمان واجب می‌شمارد، مواد سیزده‌گانه‌ای در این خصوص برمی‌شمارد که ماده هفتم آن به موضوع تشکیل کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌های رایگان برای استفاده اشاره دارد:

«(هفتم) بر انجمنهای مرکزی لازم و واجب است که در تمام شهرها اماکن و قرائتخانه‌های عمومی مفتوح نمایند برای مطالعه جراید و کتبی که منتشر میشود در جمیع اقطار عالم تا هرکسی بدون مانع رجوع بآنجاها بنماید و نباید مطالبه و اخذ قیمت و اجرت از مطالعه‌کنندگان بشود مگر آنچه را هرکس تبرعا و بمیل خود بدهد»^۲

در این ماده بر تشکیل کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌های عمومی برای مطالعه آنها به صورت رایگان تأکید می‌گردد، چرا که جامعه نوسود و فقیر آن زمان توانایی و امکانات مالی لازم

۱. راپورت انجمن معارف، ۲.

۲. روزنامه اطلاع، شماره ۴۷۴، چهارشنبه ۱۵ ذی‌الحجه ۱۳۱۶ق، ص ۲.

برای استمرار مطالعه و کسب آگاهی بیشتر را ندارد و این از وظایف حکومت‌ها و یا انجمن‌ها و مردم است تا به رفع این نیاز مبادرت ورزند. نیاز به مطالعه روزبه‌روز بیشتر می‌گردد و این در حالی است که دسترسی به کتاب‌های چاپی و یا جراید داخلی و یا خارجی نه تنها آسان نیست، بلکه بسیار هم هزینه‌بر است.

کتابخانه عمومی تبریز که وابسته به بانی اصلی‌اش یعنی میرزا حسنخان خازن لشگر بود و با درگذشت او محکوم به تعطیلی گردید و در طهران نیز تلاش‌های انجمن معارف برای راه‌اندازی کتابخانه‌ای ملی و عمومی‌انگونه که باید پیش‌نمی‌رفت، دعاوی و اختلافات سیاسی چه بر اثر حسادت و چه جاه‌طلبی موجب گردید کتابخانه ملتی‌انگونه که باید رشد نکرده و دست‌آخر نیز تعطیل گردد.

در همین میان بود که برخی از دست‌اندرکاران فرهنگی با توجه به تجربیاتی که در دیگر کشورهای مخصوصاً هم‌جوار وجود داشت، به فکر راه‌اندازی کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌هایی کوچکتر می‌نمایند، که البته در ازای ارائه خدمات، از مراجعه‌کنندگان پول نیز دریافت می‌نمودند.^۱

اولین قرائتخانه در شهر شیراز و به همت سلطان‌العلماء امام جمعه شیراز تشکیل شد و چندی بعد در رشت نیز آقا میرزا حبیب‌الله مدیر مدرسه ابتدائیه رشت قرائتخانه‌ای تشکیل داد.^۲ اما در طهران و با توجه به میزان بالای تقاضای و از طرفی فعالیت‌های کم‌رمت کتابخانه ملتی مرکزی ایران در اولین گام این شرکت طبع کتب بود که در سال ۱۳۱۷ق اقدام به راه‌اندازی «قرائتخانه عمومی دارالخلافة» در محل اداره نظیمه قدیم واقع در خیابان جلیل‌آباد نمود.^۳

کمی بعدتر در مدرسه فرانسوی الیانس نیز کتابخانه الیانس با نزدیک به هزار جلد کتاب در موضوعات مختلف رمان، سفرنامه، شرح حال، علوم و فنون و مجلات علمی و روزنامه‌های مختلف تشکیل می‌گردد. این کتابخانه طی اعلان بازگشایی درب کتابخانه

۱. درباره چگونگی تشکیل قرائتخانه‌ها و فعالیت‌های آن رجوع کنید به: قرائت‌خانه‌های ایران، مسعود

کوهستانی‌نژاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۲۳۸ص، ۱۳۸۲.

۲. قرائتخانه‌های ایران، ۱۹.

۳. روزنامه اطلاع، شماره ۵۱۲، سه‌شنبه ۱۷ ذی‌الحجه ۱۳۱۷ق، ص ۲.

به روی عموم، هزینه عضویت برای استفاده از منابع را پرداخت مبلغ پانزده قران بابت ضمانت و پرداخت هر سه ماه یک بار پانزده قران به عنوان آبونمان اعلام می‌کند. (سند شماره ۸)

سند شماره (۸)

اعلان راه‌اندازی کتابخانه الیانس

«اعلان»

کتابخانه الیانس فرانسه که فعلا در عمارت و حیات مدرسه واقع است برای عموم اهالی باز خواهد بود. أعضاء الیانس بعد از أداء پانزده قران وجه الضمانه و دوازده قران حق آبونه که از قرار اقساط در هر سه ماه یا در ابتداء سال پرداخته میشود حق استفاده از کتب و روزنامه جات کتابخانه خواهند داشت. اشخاصی که خارج از هیئت انجمن الیانس میباشند و مایل بدخول کتابخانه الیانس فرانسه هستند بعد از أداء وجه الضمانه که مبلغ پانزده قران است و پرداختن دوازده قران از قرار اقساط چهارگانه که در رأس هر سه ماه پرداخته میشود حق استفاده از کتابخانه خواهند داشت. بعد از انقضای مدت آبونه وجه الضمانه که در دفتر الیانس سپرده شده اگر تجدید نمایند بصاحبش رد خواهد شد. کتابخانه الیانس فرانسه قریب هزار جلد کتاب از نسخ مختلف از قبیل حکایات (رمان) و روزنامه سفر و شرح أحوال مسافری و کتب علمی و مجله و روزنامه‌های یومیه برای شرکاء و آبونه‌ها حاضر دارد»^۱

همچنین در همین سالها ادیب‌الممالک فراهانی و مجدالاسلام فراهانی که از جمله روشنفکران آن روزگار بودند به فکر می‌افتند که در خلأ نبود کتابخانه‌ای عمومی قرائتخانه‌ای را با عنوان قرائتخانه مظفری راه‌اندازی نمایند. محل این قرائتخانه خیابان ناصری روبه‌روی تلگرافخانه بود.^۲

فهرستواره کتاب‌های «کتابخانه عمومی تبریز» و «کتابخانه ملتی مرکزی ایران»

تنها منبع ما برای شناسایی کتاب‌های موجود در کتابخانه عمومی تبریز روزنامه ناصری و دو اعلان منتشره در این روزنامه بود، که با توجه به قراین و اطلاعات موجود در آن نسبت به شناسایی این کتاب‌ها اقدام و اطلاعات آن با استفاده از منابع گوناگون ثبت گردید.

در خصوص کتابخانه ملتی مرکزی ایران نیز با توجه به یادداشت‌های وقف و مهر کتابخانه به جستجوی در میان کتاب‌های چاپی (سنگی، سربی)، نشریات و نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ایران پرداخته و کتاب‌هایی که دارای مهر و یا وقف‌نامه‌ای دال بر

۱. روزنامه خلاصة الحوادث، شماره ۹۳۲، پنجشنبه بیست و هفتم رجب ۱۳۲۰، ص ۱.

۲. کتاب در هشتاد سال پیش، ۱۹.

تعلق آنها به کتابخانه ملی مرکزی ایران بود در فهرست زیر ثبت گردید. قابل ذکر است که بجز یک کتاب که در یک کتابفروشی برای فروش عرضه شده بود بقیه کتاب‌ها در مخزن کتابخانه ملی ایران موجود هستند و با توجه به مهرهای بعدی که بر صفحات این کتاب‌ها ثبت شده است آنچنان که پیش از این اجمالا اشاره شد این کتاب‌ها از میرزا ابرهیم خان آجودان باشی گرفته و به کتابخانه معارف که در دوره پهلوی تبدیل به کتابخانه ملی ایران می‌گردد رسیده و در مخزن این کتابخانه قرار می‌گیرد. (پیوست ۲)



پیوست (۱)

فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه عمومی تبریز

۱. انوار السعادة در ترجمه اسرار الشهاده

تألیف: دربندی، آقا بن عابد بن رمضان (۱۲۸۵-؟ق)

مترجم: شریعتمدار تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۲۰ح-؟ق)

به امر: امیربهادر جنگ کشیکچی باشی، حسین پاشا (۱۳۳۶-؟ق)

تبریز: بی‌چا، ۶۸۱ص، رحلی، ۱۳۱۲ق.

موضوعات: ۱. واقعه کربلا

۲. ترجمه کتاب خلیفه یوحنا بن اسرائیل مصری

تألیف: مصری، یوحنا بن اسرائیل (قرن ۶)

مترجم: ابوالفتح رازی، حسین بن علی (قرن ۶)

کاتب: تبریزی، علی بن محمدحسن

تبریز: بی‌چا، ۱۱۱ص، رفعی، ۱۳۰۷ق

موضوع: ۱. کلام شیعه

۳. ترجمه مفتاح الفلاح

تألیف: شیخ بهائی، محمد بن حسین (۱۰۳۱-۹۵۳ق)

به امر: شریعتمدار تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۲۰ح-؟ق)

به سرمایه: مؤتمن دفتر، مجیدخان

کاتب: تبریزی، علی بن محمدحسن

تبریز: بی‌چا، ۳۱۴ص، جیبی، ۱۳۱۰ق.

موضوع: دعاها

۴. جنة الواقية والجنة الباقية

تألیف: کفعمی، ابراهیم بن علی (۹۰۵-۸۴۰ق)

ترجمه: حسینی قزوینی، محمدرضا بن محمدقاسم

به امر: شریعتمدار تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۲۰ح-؟ق)

تبریز: بی‌چا، ۱۳۰۸ق.

موضوعات: ۱. دعاها

۵. ربیع الأسابیع

تألیف: مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۱۱۱-۱۰۳۷ق)

به امر: شریعتمداری تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۲۰ح-؟ق)
به سرمایه: مستشار السلطنه، میرزا رفیع خان
تبریز: بی جا، ۳۸۴ ص، جیبی، ۱۳۱۲ق.
موضوعات: ۱. دعاها

۶. شرح الأصول من الکافی (عربی)

تألیف: مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح (۱۱۲۰-؟ق)
به امر: نظم السلطنه، حسین قلی خان بن فتح علی خان
کاتب: تبریزی، علی بن محمد حسن

به اهتمام: شریعتمداری تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۲۰ح-؟ق)
تبریز: چاپخانه اسداقا، ۶۲۷ ص، رحلی، ۱۳۱۱ق.
موضوع: ۱. احادیث شیعه - نقد و تفسیر

۷. صحیفه سجادیه^۲

۸. مختصر الدعوات

تألیف: شریعتمداری تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۲۰ح-؟ق)
[ایران]: بی جا، بی نا، بی تا.
موضوع: دعاها

۹. مرآة البکاء

تألیف: آقامیر گلستان تبریزی، محسن بن محمد (۱۳۳۰-؟ق)
ضمائم: مرآتی منظوم
تبریز: مطبعة مشهدی اسداقا، وزیری، ۱۳۱۲ق.

۱۰. مشکوة الأنوار

تألیف: مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۱۱۱-۱۰۳۷ق)
به اهتمام: شریعتمداری تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۲۰ح-؟ق)
به سرمایه: مبشر السلطنه، میرزا فضل الله خان
کاتب: تبریزی، علی بن محمد حسن

۱. در روزنامه ناصری عنوان این کتاب به اشتباه اصول کافی ثبت شده است.

۲. به جهت تعدد صحیفه های سجادیه چاپی منتشر در تبریز و فقدان قراین برای تمییز آنها امکان تشخیص چاپ و دیگر مشخصات آن نبود.

تبریز: بی‌چا، [۱۵۱]ص، بی‌تا.
موضوعات: ۱. قرآن - سوره‌ها و آیه‌ها - خواص.

۱۱. مقیاس المصایح

تألیف: مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۱۱۱-۱۰۳۷ق)
مصحح: مستوفی، مهدی
کاتب: سلماسی، عبدالصمد بن محمد
تبریز: چاپخانه آقا علی اصغر تبریزی، ۳۶۰ص، جیبی، ۱۳۱۱ق
موضوع: ۱. دعاها

۱۲. وسائل المحبین فی ترجمة خصایص الحسین علیه السلام

تألیف: شوشتری، جعفر بن حسین (۱۳۰۳-۱۲۳۰ق)
مترجم: شریعتمدار تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۲۰ح-؟ق)
به سرمایه: مؤتمن السلطان، حسن
کاتب: تبریزی، علی بن محمد حسن
تبریز: بی‌چا، ۵۰۵ص، وزیری، ۱۳۰۸ق.
موضوعات: حسین بن علی علیه السلام امام سوم - فضایل و مناقب.

۱۳. هدایة الموحدین فی أصول الدین

تألیف: حاجی بابای کوزه‌کنانی تبریزی، احمد بن عبدالله (۱۳۲۷-؟ق)
به سرمایه: تاجر کوزه‌کنانی تبریزی، مهدی بن آقا
تبریز: دارالطباعة ملاعباسعلی کتابفروش، ۳ ج، ج ۱، ۳۸۳ص، رحلی، ۱۳۰۳ق
موضوع: کلام شیعه

۱۴. هدایة الموحدین فی أصول الدین

تألیف: حاجی بابای کوزه‌کنانی تبریزی، احمد بن عبدالله (۱۳۲۷-؟ق)
به سرمایه: تاجر کوزه‌کنانی تبریزی، مهدی بن آقا
کاتب: شبستری، حسن بن عبدالله
تبریز: دارالطباعة ملاعباسعلی کتابفروشی، ۳ ج، ج ۲، ۶۰۲ص، رحلی، ۱۳۱۱ق.
موضوع: کلام شیعه
موضوعات: حسین بن علی علیه السلام امام سوم - مرثی.

پیوست (۲)

فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه ملتی مرکزی ایران

۱. اتمکجی قادین (ترکی استانبولی)

تألیف: مونته پن، آگزاویه دو

مترجم: احسان، احمد

استانبول: شرکت مرتبیه مطبعه سی، ۱۳۰۶ق

موضوع: داستان‌های فرانسه - ترجمه‌ها - فرانسه به ترکی

شماره کتابخانه ملی [۸-۱۸۷۳۶]

۲. اختیارات الایام

تألیف: مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۱۱۰-۱۰۳۷ق)

کاتب: محم کاظم بن عباسعلی

تهران، بی‌جا، ۷۸ص، خشتی، [۱۳۰۵ق]. (چاپ سنگی)

موضوع: اخترگویی اسلامی

شماره کتابخانه ملی [۹۰۷۷-۶]

۳. انشاء الدرر

تألیف: محمد مهدی بن نصیر استرآبادی (۱۱۸۰-؟ق)

کاتب: مکتب دار، میرزا محمد حسین

تبریز: حاج ابراهیم تبریزی، ۱۸۷ص، ۱۳۰۳ق. (چاپ سنگی)

موضوع: ۱. نثر فارسی - قرن ۱۲ق؛ ۲. نامه‌نگاری فارسی - قرن ۱۲ق.

شماره کتابخانه ملی [۶-۴۱۰۱]

۴. انشاء جدید و لغات مفید (ترکی)

کاتب: رمزی، حسین

[ایران]، بی‌جا، ۶۴ص، ۱۲۹۱ق. (چاپ سنگی)

موضوع: نامه‌نگاری فارسی - قرن ۱۴ق.

شماره کتابخانه ملی [۶-۴۵۳۵]

۵. بحر المحبة فی أسرار المودة فی تفسیر سورة یوسف (عربی)

تألیف: غزالی، احمد بن محمد (۵۲۰-؟ق)

بمبئی: مطبعه ناصری، ۱۶۴ص، ۱۸۷۶م. (چاپ سربی)

موضوع: ۱. تفسیر سوره یوسف

شماره کتابخانه ملی [۷-۴۱۶]

۶. البهجة المرضية في شرح الالفية (عربی)

تألیف: سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۹۱۱-۸۴۹ق)

کاتب: تبریزی، محمدرحیم بن محمدتقی

تبریز: مشهدی عباسعلی، ۲۶۶ص، ۱۲۷۶ق.

موضوع: ۱. نحو عربی - نقد و تفسیر

شماره کتابخانه ملی [۶۴۹/۱]

۷. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران

تألیف: اعتمادالسلطنه مراغی، محمدحسن بن علی (۱۳۱۳-۱۲۵۹ق)

کاتب: تویسرکانی، محمدصادق بن محمدرضا (قرن ۱۴ق)

کاتب: حسینی گلپایگانی، محمدصادق (قرن ۱۴ق)

طهران: چاپخانه خاصه دولتی، ۶۶ص، رحلی، ۱۳۱۱ق.

موضوع: فرهنگ و تاریخ ایرانی

واقف: محمدمهدی؟

شماره کتابخانه ملی [۶-۶۰۳۸]

۸. الجواب الفسیح لما لفقہ عبدالمسیح (عربی)

تألیف: آلوسی، نعمان بن محمود (۱۳۱۷-۱۲۵۲ق)

لاهور: مطبع اسلامیه، ۴۸۵ق، ۱۳۰۷ق

شماره کتابخانه ملی [۶-۸۳۳]

۹. حدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیه (عربی)

تألیف: مدنی، علی خان بن احمد (۱۱۲۰-۱۰۵۲ق)

به امر: خراسانی، محمد

کاتب: همدانی، محمدحسن بن حسین (قرن ۱۳ق)

طهران: بی چا، ۲۹۲ص، رحلی، ۱۲۷۴ق.

موضوع: ۱. نحو عربی - نقد و تفسیر

شماره کتابخانه ملی [۶-۷۵۱]

۱۰. حذیة الانصاف

تألیف: سرمست روحی، عبدالکریم بن ممود

کاتب: محمد علی خان

[ایران]: بی چا، ۴۰۹ ص، رقعی، ۱۳۰۷ ق.

موضوع: عرفان

[رؤیت شده در یک کتابفروشی]

۱۱. خصایص وحی المبین فی مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام (عربی)

تألیف: ابن بطریق، یحیی بن حسن (۶۰۰-۵۲۳ ق)

طهران: دارالطباعة آقاسید اسدالله بن آقا میرباقر، ۱۴۸ ص، وزیری، ۱۳۱۱ ق.

موضوع: ۱. احادیث اهل سنت؛ ۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول (۲۳ قبل از

هجرت-۴۰ ق) - فضایل

ضمائم: ۱. نورالهدایة فی الامامة

شماره کتابخانه ملی [۷۷۶۷۳۵]

۱۲. دائره المعارف (عربی)

تألیف: بستانی، بطرس (۱۸۸۳-۱۸۱۹ م)

بیروت: مطبعة المعارف؛ مطبعة الادبیه، ۱۸۸۰-۱۸۹۸ م. (سربی)

موضوع: ۱. دائره المعارف ها و واژه نامه های عربی

شماره کتابخانه ملی [۸-۱۴۴۷۳]

۱۳. دبستان پارسی

تألیف: حبیب اصفهانی (۱۳۱۱-۱۲۵۱ ق)

استانبول: چاپخانه محمودبک، ۱۳۶ ص، ۱۳۰۸ ق.

موضوع: ۱. فارسی - دستور زبان؛ ۲. کتاب های درسی جدید

شماره کتابخانه ملی [۸-۱۹۹۸۳]

۱۴. درر التیجان فی تاریخ بنی اشکان

تألیف: اعتماد السلطنه مراغی، محمد حسن بن علی (۱۳۱۳-۱۲۵۹ ق)

کاتب: تویسرکانی، محمد صادق بن محمد رضا (قرن ۱۴ ق)

طهران: بی چا، ج. ۱، ۲۴۶ ص، رحلی، ۱۳۰۸ ق.

موضوع: ۱. تاریخ - ایران - پیش از اسلام

ضمائم: ۱. سالنامه

واقف: محمد مهدی

شماره کتابخانه ملی [۶-۶۰۳۴]

۱۵. الرسالة الجمع بين الرأيين (عربی)

تأليف: فارابی، محمد بن محمد (۳۳۹-۲۶۰ ق)

مصصح: لاریجانی، ابراهیم بن احمد

کاتب: محمد صادق

[طهران]: بی چا، ۹۳ ص، ۱۳۱۵ ق.

ضمائم: ۱. رسالة فی موضوع الخلافة الكبرى؛ ۲. رسالة فی موضوع العلم

موضوع: ۱. فلسفه یونانی - نقد و تفسیر

شماره کتابخانه ملی [۱۴۷۶-۶]

۱۶. السامی فی الاسامی

تأليف: میدانی، احمد بن محمد (۵۱۸- ق)

به اهتمام: سمیرمی زنوزی اصفهانی، علی اصغر بن عبدالجبار (قرن ۱۴ ق)

کاتب: نامه خواسناری، محمد علی بن محمد صادق (قرن ۱۴ ق)

طهران: بی چا، خشتی، ۱۲۷۳ ق.

موضوع: واژه نامه ها - عربی به فارسی

ضمائم: ۱. سر الأدب فی مجاری کلام العرب؛ ۲. فروق اللغات فی تمییز بین مفاد

الکلمات؛ ۳. ملحقات فروق اللغات فی تمییز بین مفاد الکلمات؛ ۴. شرح مشکلات

القصيدة المشهورة لكعب بن زهير فی مدح النبي ﷺ؛ ۵. القصيدة الميمية؛ ۶. مقصورة

شماره کتابخانه ملی [۶-۷۹]

۱۷. شرح الرضوی (عربی)

نویسنده: موسوی شیرازی، محمدرضا بن اسماعیل (۱۳۰۲-۱۲۳۳ ق)

[ایران]: بی چا، رحلی، [۵۴۷] گ، بی تا.

موضوع: ۱. فقه شعیه - نقد و تفسیر

واقف: اسمعیل خان آجودان باشی

شماره کتابخانه ملی [۶-۷۸۹]

۱۸. شرح منازل السائرین (عربی)

تأليف: عبدالرزاق کاشی، عبدالرزاق بن جلال الدین (۷۳۶- ق)

کاتب: تویسرکانی، محمد صادق بن محمدرضا

مصصح: لاریجانی، احمد بن ابراهیم

طهران: بی چا، ۲۷۳ ص، وزیری، ۱۳۱۵ ق.

ضمائم: ۱. اصطلاحات العلماء؛ ۲. النصوص؛ ۳. الفکوک

موضوع: ۱. عرفان

شماره کتابخانه ملی [۹۷-۶]

۱۹. صرف جمله سی (ترکی)

تألیف: گروهی از پدیدآورندگان

استانبول: شرکت صحافیہ عثمانیہ، ۱۲۰ ص، بی تا.

موضوع: ۱. صرف عربی؛ ۲. کتاب های درسی جدید

شماره کتابخانه ملی [۲۱۷۲۳-۸]

۲۰. الطوائف فی مذهب الطوائف (عربی)

تألیف: ابن طاووس، علی بن موسی (۶۶۴-۵۸۹ ق)

[طهران]: بی جا، ۱۷۶ ص، وزیری، ۱۳۰۲ ق.

موضوع: ۱. فقه اهل سنت - ردیه ها؛ ۲. کلام اهل سنت - ردیه ها.

شماره کتابخانه ملی [۷۷۹۱۶]

۲۱. علم مساحت

تألیف: کرشیش، آگوست

مترجم: مازندرانی، محمدزکی

نقاش: مقدم، محمدتقی

کاتب: مقدم، محمدتقی

طهران: دارالطباعة رضاقلی هدایت، خشتی، ۴۰۴ ص، ۱۲۷۴ ق.

موضوع: ۱. ریاضیات؛ ۲. کتاب های درسی جدید

شماره کتابخانه ملی [۱۲۵۷۶-۶]

۲۲. ق مقام زخار صمصام بتار

نویسنده: فرهاد میرزا قاجار، فرهاد بن عباس میرزا (۱۳۰۵-۱۲۳۳ ق)

کاتب: منشی علی آبادی مازندرانی، محمدعلی

طهران: بی جا، ۷۱۷ ص، رحلی، ۱۳۰۵ ق.

موضوع: سرگذشتنامه - حسین بن علی علیه السلام - امام سوم (۴-۶۱ ق)؛ ۲. واقعه کربلا، ۶۱ ق.

ضمائم: مرثیه حضرت سیدالشهداء علیه السلام

شماره کتابخانه ملی [۷۷۸۵-۶]

۲۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن (عربی)

تألیف: طبرسی، فضل بن حسن (۵۴۸-۴۶۸ ق)
به اهتمام: خوانساری، محمد رحیم بن محمد باقر
کاتب: خوانساری، محمد حسین بن محمد
طهران: دارالطباعة آقاسید مرتضی، ج. ۱، ۵۲۹ ص، رحلی، ۱۳۱۴ ق.
موضوع: ۱. تفاسیر شیعی
شماره کتابخانه ملی [۶-۱۲۱۱]

۲۴. منقول الرضائی

تألیف: جدید الاسلام، محمد رضا
مترجم: حسینی طهرانی، علی بن حسین (۱۳۳۵-۱۲۳۸ ق)
کاتب: علی رضا
کاتب: ملشی حسینی طهرانی، ملا آقا جان
[طهران]: بی چا، ۴۱۵ ص، ۱۲۹۲ ق.
موضوع: ۱. یهودیان - دفاعیه ها و ردیه ها
شماره کتابخانه ملی [۶-۵۳۰۰]

۲۵. مخزن الادویه

تألیف: عقیلی علوی شیرازی، محمد حسین بن محمد هادی (قرن ۲۳)
به اهتمام: حاج آقا خانه زاد، جهانگیر بن محمد ولی
کاتب: محمد مهدی
طهران: بی چا، رحلی، ۱۲۷۷ ق.
شماره کتابخانه ملی [۶-۹۶۳۹]

۲۶. مستند الشیعة فی أحكام الشریعة

تألیف: نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۲۴۵-۱۱۸۵ ق)
کاتب: خوانساری، محمد بن حسین
طهران: چاپخانه عبدالمحمد بن علی لواسانی، رحلی، ۵۷۰ ص، ج. ۱، ۱۲۷۳ ق.
موضوع: ۱. فقه شیعه
شماره کتابخانه ملی [۶-۱۲۵۶]

۲۷. نجاه العباد فی یوم المعاد

تألیف: صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۲۶۶-۱۲۰۰ ق)

طهران: کارخانه محمد اسمعیل، ۱۲۴۲ق؟ (سربی)
شماره کتابخانه ملی [۷-۵۲۸]

28. Revue Contemporaine

Paris :Bureaux de la Reuve contempotaine,16 April 1867.¹

شماره کتابخانه ملی [۱۲۴۳۲۵۲]



۴۸

آینه پژوهش | ۲۰۶

سال ۳۵ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. دوماهنامه و سپس ماهنامه‌ای ادبی، سیاسی و فلسفی به زبان فرانسه که از سال ۱۸۵۴م تا ۱۸۷۰م منتشر می‌گردید.

فهرست منابع

- اخبار و اعلان کتاب و کتابخانه به روایت مطبوعات (۱۲۸۵-۱۳۰۴ ش)، مسعود کوهستانی نژاد، تهران، خانه کتاب، رحلی، ۱۳۹۵.
- الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۲۸ جلد وزیری، ۱۴۰۸ ق.
- تاریخ فرهنگ آذربایجان، محمدعلی صفوت، قم، چاپخانه قم، ۱۳۲۹.
- ترویج علم: از انجمن معارف تا انجمن ترویج علم، اسفندیار معتمدی، مجله رهیافت، شماره ۳۳، ۱۳۸۳، صص ۴-۱۵.
- چاپ نوشت (۱۲): کتابخانه مدرسه دارالفنون در دوره قاجار، مجید جلیسه، آینه پژوهش، سال سی و پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۲۰۵)، فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳، صص ۳۹-۶۰.
- حیات یحیی، یحیی دولت‌آبادی، تهران، عطار، ۴ جلد، وزیری، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
- خاطرات احتشام السلطنه، سید محمد مهدی موسوی، تهران، زوار، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- دکتر علی اکبر نفیسی ناظم الاطباء، سعید نفیسی، یادگار، سال سوم، شماره چهارم، ۱۳۲۴، صص ۵۲-۶۵.
- راپورت انجمن معارف. طهران: مطبعه شاهنشاهی، ۷ ص، شعبان ۱۳۱۹ ق. (چاپ سربی)
- شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، تهران، زوار، جلد ۱، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات، سیدعلی آل داود، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، مجید جلیسه با همکاری حیدر عیوضی، قم، وراقان، ۴ جلد، وزیری، ۱۴۰۲.
- فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شعیه، علی صدرایی خویی، قم، دارالحدیث، ج ۱۰، وزیری، ۱۳۸۸.
- قرائتخانه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۱۱ شمسی، مسعود کوهستانی نژاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۲۳۸ ص، ۱۳۸۲.
- کتاب در هشتاد سال پیش، حسین معصومی همدانی، نشر دانش، شماره ۲۲، خرداد و تیر ۱۳۶۳، صص ۵-۱۹.
- کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، مسعود کوهستانی نژاد، جهان کتاب، شماره ۴۱ و ۴۲، شهریور ۱۳۷۶، صص ۶-۸.
- مرآت الوقایع مظفری، عبدالحسین سپهر ملک المورخین، عبدالحسین نوایی، تهران، میراث مکتوب، جلد ۱، وزیری، ۱۳۸۶.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی